

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی (ع) (از نخستین سال‌های تدوین حدیث تا فروپاشی خلافت عباسی)

سید خلیل طاوسی

مقدمه

در باره موعود مصلح و حکومت جهانی صالحان در آخرالزمان، در منابع و کتاب‌های مقدس اعم از تورات، انجیل، اوستا و سایر کتاب‌های دینی مشهور در میان امت‌های گذشته و هم چنین در قرآن کریم مطالب فراوان و متنوعی بیان شده است تا آنجا که شاید بتوان گفت هیچ مکتب و اندیشه‌ای در جهان نیست که با وجود جهان‌بینی ماورائی، حاوی اشاراتی به موضوع منجی موعود نباشد.

در این میان، اسلام دقیق‌ترین و نزدیک‌ترین تفسیر تطبیقی درباره آن موعود را ارائه کرده است، به گونه‌ای که تمام گروه‌های اسلامی بر این نکته اتفاق نظر دارند که در آخرالزمان مردی از خاندان رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) ظهور خواهد کرد که هم‌نام و هم‌کنیه اوست و البته در میان مسلمانان شیعیان امامیه، کامل‌ترین و روشن‌ترین تفسیر را از مسئله موعود ارائه نموده‌اند و مهم‌ترین دلیل آن، آثار به جا مانده از علمای شیعه در این باره است.

از نظر شیعیان اثنی عشری، حضرت مهدی (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع) و مادرش جناب نرجس خاتون (س) است. این موعود مبارک در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ، در شهر سامرا و به صورتی مخفی متولد شد و به لحاظ مسائل خاص و شرایط ویژه، از چشم بسیاری از افراد مخفی و پنهان بود، مگر در مواردی که پدرش، امام حسن عسکری (ع) اجازه می‌فرمود. و بر همین اساس، افراد فراوانی از اقشار مختلف با حضرت مهدی (عج) دیدار داشته‌اند.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

بدون تردید، تمامی این اعتقادات براساس اصول و مبانی اعتقادی شیعه و به استناد دلایل قطعی ثابت شده است و در متون و منابع کلامی و متون خاص پیرامون امامت و مهدویت بحث و بررسی و به اثبات رسیده است، اما با وجود همه این تلاش‌ها، هر از گاهی از سوی مخالفان و خناسان مطالبی سست و بی‌پایه مطرح می‌گردد که از جمله این شبهات، آن است که ادعا شده هر چند خیر مهدویت براساس متون و مدارک و مستندات کلامی قابل اثبات است، ولی از نظر تاریخی و بر اساس شواهد و مستندات تاریخی قابل اثبات نیست.

در این زمینه اگرچه تلاش قابل تحسینی از سوی عالمان و بزرگان شیعه انجام یافته، ولی این تحقیق با رویکرد تاریخی به منابع مکتوب، در صدد ارائه مستندات تاریخی پیرامون ولادت حضرت مهدی(ع) و غیبت ایشان است، چرا که یکی از اصلی‌ترین محورهای بیانگر این مهم، بررسی منابع مکتوب و آثاری مدون که از سوی عالمان، پیرامون حضرت و تولد او و سایر اطلاعات مرتبط با ایشان تدوین و تألیف یافته، است. به طور کلی از نخستین سال‌های تدوین حدیث توسط محدثین و علمای شیعه تا اوائل نیمه دوم قرن هفتم هجری، خلفای اموی و عباسی به طور رسمی بر جهان اسلام حکومت می‌کردند و اغلب آنان با تکیه بر تعصبات مذهبی به تعقیب و شکنجه و کشتار شیعیان می‌پرداختند و با این وجود، عموماً علمای شیعی توانستند مخفیانه و آشکارا، آثاری را در باره امام زمان (عج) و خصوصاً ولادت و غیبت ایشان در کانون‌هایی که به آنان تعلق داشت، بنویسند و بالطبع علمای اهل سنت از فشار و محدودیت مضاعفی در این زمینه برخوردار بودند.

در سال‌های پایانی غیبت صغری و تسلط سلسله شیعی آل بویه (۳۲۰-۴۴۸هـ) بر بخش اعظمی از مناطق شرقی جهان اسلام و بغداد، دانشمندان شیعی مجال یافتند تا بدون بیم و هراس به تدوین مسائل کلامی پیرامون موضوع مورد نظر اقدام نمایند و تعدد آثار قابل توجه از علمای شیعه همچون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و دیگران، نشانگر این مهم است. پس از این زمان، تدوین آثار، شدت بیشتری گرفت و در قالب جمع‌آوری کتاب‌های گذشتگان به صورت دائرةالمعارف بزرگی ارائه گردید.

به طور کلی می‌توان سیر تدوین کتب روایی و کلامی - تاریخی، پیرامون ولادت و غیبت حضرت مهدی(عج) را از نخستین سال‌های تدوین حدیث توسط علمای شیعه تا سال‌های پایانی خلافت عباسی در سه دوره مجزا از یکدیگر بررسی و ارائه نمود که عبارتند از:

دوره اول - دوره تدوین احادیث؛

دوره دوم - جهاد علمی علمای شیعه در جهت رفع حیرت اجتماعی و

دوره سوم - دوره تدوین کلام شیعی پیرامون ولادت و غیبت.

صرف نظر از ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی دوره‌های مذکور که مباحث بسیاری را همراه دارد و به دلیل اطاله کلام از بیان آنان خوداری می‌شود، الزاماً به میراث مکتوب علمای شیعه در دوره‌های فوق اشاره می‌گردد.

دوره اول - دوره تدوین احادیث

در این دوره، که هم‌زمان با دوره حضور امامان معصوم، پیروان و اصحاب خاصه آنها است، روایان بسیاری به جمع‌آوری و نقل احادیث در زمینه ولادت و غیبت، همت گماشته‌اند، به طوری که بسیاری از آن احادیث به حد تواتر^۱ رسیده است.

از آن جمله می‌توان به روایاتی اشاره نمود که امام مهدی (عج) را از اولاد حضرت علی (ع)^۲ و حضرت فاطمه (س)^۳ و همچنین از فرزندان امامانی که از نسل امام حسین (ع) هستند،^۴ به شمار آورده‌اند؛ علاوه بر این روایات متعددی را درباره ولادت^۵، غیبت^۶ و چگونگی حضور و ظهور امام مهدی (عج) بیان کرده‌اند. این دوره با شروع غیبت صغری پایان می‌یابد. برخی از اصحاب و روایان احادیث علاوه بر نقل احادیث به تدوین کتاب در زمینه ولادت و غیبت اقدام نموده‌اند، به طوری که بر طبق گرایشات فکری و توالی تاریخی این گروه از آثار را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف - تدوین کتب روایی پیرامون ولادت امام زمان (عج) قبل از تولد آن حضرت و

ب - تدوین کتب روایی از زمان ولادت تا پایان غیبت صغری.

الف - تدوین کتب روایی پیرامون ولادت امام زمان (عج) قبل از تولد آن حضرت

بدون تردید با آغاز ادبیات نوشتاری شیعه در اواخر دوره امویان و تدوین شماری از رساله‌ها و کتاب‌ها، مسئله مهدویت و غیبت، موضوع لاینفک مسموعات حدیثی بوده که در دفاتر روایان حدیث و در ضمن معارف دیگر شیعی ثبت گردیده است.

در این راستا، شیعیان با گرایش‌های فکری متفاوت به ثبت احادیث در خصوص موضوع مذکور پرداخته‌اند که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. اصول اربعمائه

به مجموع دفاتر حدیثی گفته می‌شود که روایان اولیه حدیث، روایات شفاهی ائمه را در مسائل و فروع فقهی، اخبار ولادت و وفیات و مناقب آنان ثبت نموده و بعدها به عنوان «اصل» معرفی کرده‌اند^۷ و چون شماره آنان در حدود چهارصد بوده است، به اصول اربعمائه معروف گردیده‌اند.^۸

۱. حدیث متواتر: حدیثی است که در تمامی طبقات سند آن، تعداد روایان به اندازه‌ای فراوان باشد که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نگذارد. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ذیل مدخل واژه.
۲. در این باره ۲۳۵ حدیث بیان شده است. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۴۲.
۳. در این خصوص ۲۰۲ حدیث نقل شده است، همان، ص ۱۴۶.
۴. در مجموع در این زمینه ۱۸۷۸ روایت از ائمه معصومین (ع) نقل شده است. همان، ص ۱۵۰-۲۰۲.
۵. ۲۱۴ روایت در این زمینه بیان شده است، همان، ص ۳۶۷.
۶. مجموعاً ۹۱ روایت درباره غیبت آن حضرت بیان شده است. همان، ص ۴۳۷.
۷. مدرسی، میراث مکتوب شیعه، ص ۱۲.
۸. تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۵.

دربارهٔ زمان تألیف اصول اربعمائه نیز میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد، ولی بدون شک هیچ‌کدام از آنها قبل از زمان امیرمؤمنان (ع) و بعد از امام حسن عسکری (ع) تألیف نشده‌اند. اگر چه بسیاری از این اصول از بین رفته و امکان توجه به محتوا و متن و کیفیت تدوین آنها اکنون سلب گشته است؛ به همین دلیل برخی معتقدند که «طرح مباحث پیرامون موضوع مذکور حدس و گمانی بیش نیست». اما از سخنان بعضی از بزرگان چنین بر می‌آید که این اصول نزد قدمای اصحاب به عنوان مأخذ اصلی و مرجع حقیقی روایات اهل‌بیت و نیز تکیه‌گاه آنان در بیان مسائل و صدور فتوا بوده است.^۵ علاوه بر اینکه مندرجات و محتویات بسیاری از این اصول شرح احوال، میلاد، وفیات، مناقب ائمه بوده است.^۶ چنان‌که بسیاری از علمای شیعه در اثبات ولادت و مهدویت و غیبت امام زمان به این اصول تمسک جست‌ه‌اند و کتاب‌های خود را براساس این اصول تدوین نموده‌اند که از آن جمله شیخ صدوق با اعتراف به مطلب مذکور، کتاب *کمال‌الدین* را تدوین می‌کند.^۷

اگر چه «جاسم حسین» معتقد است که در احادیث اصول مذکور، در زمینهٔ غیبت و مهدویت ابهام وجود دارد و در این احادیث هرگز نامی از امام زمان به میان نیامده و زمان غیبت او را مشخص ننموده‌اند،^۸ اما استفاده «صدوق» از این گونه احادیث، توجه به نزدیکی وی با اصول اربعمائه، بهترین دلیل بر بی‌اعتباری سخن مذکور است. علاوه بر اینکه طبرسی در *اعلام‌الوری* نیز تصریح می‌کند: «روایات مربوط به غیبت را محدثین شیعه در عصر حضرت باقر و صادق در کتب و اصول خود درج کرده‌اند».^۹

به هر صورت، با وجودی که اکثر اصول مذکور از بین رفته‌اند و تنها شانزده اصل از دفاتر یاد شده باقی مانده است،^{۱۰} راویان احادیث مهدویت و نویسندگان قرن‌های چهارم و پنجم هجری مبنای آثار خود را در موضوع مهدویت و غیبت بر این اصول قرار داده و بسیاری از آنها را در کتب خویش برای اثبات موضوع به خدمت گرفته‌اند. از میان اصولی که در زمینه مهدویت و غیبت توسط برخی از فهرست‌نویسان و رجالیون به آنها اشاره شده است، می‌توان به اصول افراد ذیل اشاره نمود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. مجید معارفی، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۱۹۵.
۲. سهیلا جلالی، پژوهشی دربارهٔ اصول اربعمائه، مجله علوم حدیث، شماره ۶، ص ۳۰۶.
۳. همان، ص ۲۰۷.
۴. «کل ذلک حدس و تخمین»، سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱، ص ۱۴۰.
۵. سهیلا جلالی، همان، ص ۲۱۰.
۶. سید حسین مدرسی، همان، ص ۱۳.
۷. محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، صدوق، *کمال‌الدین*، منصور پهلوان، ج ۱، ص ۳۹.
۸. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۲۱.
۹. امین الاسلام طبرسی، *اعلام‌الوری*، ص ۴۴۳.
۱۰. معارفی، همان، ص ۱۹۶.

۲. کتاب^۱ یا اصل سلیم بن قیس هلالی (م ۹۰هـ)^۲

این اثر کهن‌ترین کتاب شیعی است که از روزگار اموی و پیش از آن به دست ما رسیده است. ادبیات نوشتاری کتاب، به زبان ملاحم است، به طوری که برخی از حوادث قرن اول اسلامی را از نگاه شیعه در قالب پیشگوئی‌هایی از پیامبر اسلام(ص) و حضرت علی(ع) بازگو می‌کند. در این راستا، اشارات متعددی به دوازده نفر از حاکمان جور دارد که رهبری جامعه اسلامی را پس از پیامبر غصب می‌نمایند.^۳ سلیم بن قیس نیز اشاره‌ای به اثبات امامت دوازده امام دارد و در بیست و چهار مورد از کتابش به احادیث معروف شیعه در این زمینه اشاره می‌کند، ولی از میان امامان فقط از پنج امام اول نام برده و گفته است که امامت میان اولاد محمد بن علی بن الحسین ادامه خواهد یافت.^۴ وی سروران اهل بهشت را از اولاد عبدالمطلب، پیامبر، علی(ع) و برادرش جعفر و عمویش حمزه، حسن، حسین، فاطمه(س) و مهدی(عج) دانسته است.^۵

نویسنده کتاب با بیان برخی از گزارش‌ها، امامت ائمه معصومین را بر خلاف اندیشه کنونی شیعه امامیه به سیزده نفر منحصر کرده است.^۶ بر این اساس، برخی از اصحاب رجال،^۷ کتاب سلیم را جعلی و مطالب آن را نادرست معرفی کرده‌اند.^۸ اما دفاع نعمانی در کتاب الغیبه^۹ و استفاده از روایات آن^{۱۰} در جای جای کتابش خصوصاً در باب غیبت^{۱۱} و توثیق سلیم و راوی آن «ابان بن ابی عیاش» از سوی بسیاری از علمای شیعه،^{۱۲} شبهه تحریف و جعل را درباره آن

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۳. آغاز بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. برای زندگینامه سلیم، ر.ک: ابن ندیم، فهرست، ص ۲۷۵، نجاشی، الرجال، ص ۶، طوسی؛ الفهرست، ص ۸۱ ش ۳۳۶. مازندرانی؛ معالم، ص ۵۸ ش ۳۹۰ طهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۱۵۴ - ج ۱۷، ص ۲۷۶.

۳. این دوازده نفر عبارتند از: دو خلیفه اول، عثمان، معاویه و یسرش یزید و هفت نفر از نسل حکم بن ابی العاص که اولین آنها مروان بود. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، مترجم اسماعیل انصاری زنجانی، ص ۶۰۰ و ۶۳۵.

۴. در این زمینه بنگرید به احادیث ۱، ۱۰، ۱۱، ۳۷، ۴۲، ۴۵، ۴۹، ۶۱، ۶۷، ۷۷، اسرار آل محمد، همان.

۵. همان، ص ۲۰۵.

۶. همان، ح ۴۵، ص ۵۵۰، البته این نظریه به وضوح مربوط به پیش از شکل‌گیری نظریه امامت است که امامان را پس از انبیاء، از همه مردم از جمله حمزه و جعفر می‌داند. نظریه‌ای که در اوائل دوران عباسی مطرح بوده است. مدرسی، میراث مکتوب شیعه، ص ۱۲۱.

۷. در کتاب سلیم چنین آمده است: «خداوند نظری بر زمین افکند و پس از علی، دوازده نفر از اوصیاء از فرزندان پیامبر را برگزید تا از برگزیدگان در هر نسلی باشند.» اسرار آل محمد، همان، ص ۵۵۱.

۸. ابن غضائری با توجه به روایت مذکور و روایت تکلم محمد بن ابی بکر با پدرش کتاب سلیم را جعلی دانسته است. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۶۲. در باره اعتبار کتاب ر.ک: سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ص ۹۲ - ۱۱.

۹. ابن غضائری با توجه به روایت مذکور و روایت تکلم محمد بن ابی بکر با پدرش کتاب سلیم را جعلی دانسته است. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۶۲. در باره اعتبار کتاب ر.ک: سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ص ۹۲ - ۱۱.

۱۰. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۳ تحقیق فارس حسون کریم.

۱۱. مدرسی، میراث مکتوب شیعه، همان، ص ۱۲۰.

۱۲. نعمانی، الغیبه، همان، ص ۷۴ - ص ۱۰۳.

۱۳. سید ابوالقاسم خوئی، معجم الرجال، ج ۸، ص ۲۲۰.

کتاب بی‌اثر می‌سازد.

از این گذشته، کتاب سلیم به اثبات امامت دوازده امام مشهور است؛ علاوه بر اینکه در بیست و چهار مورد از کتاب مذکور، احادیث معروف شیعه در اثبات امامت دوازده امام بیان گردیده است و گذشته از این، در حدیثی که ائمه را به سیزده نفر منحصر کرده، تصحیف در الفاظ حدیث رخ داده است.^۱

به هر صورت به نظر می‌رسد کتاب سلیم بن قیس اولین کتابی است که به موضوع مهدویت و غیبت اشاره نموده و در احادیث متعددی، درباره ولادت حضرت مهدی(عج) و پدران او و بشارت حضرت عیسی به ظهور او و صفات آن حضرت به بحث پرداخته است.^۲

این کتاب از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین اصول شیعه بوده است.^۳؛ از این رو بسیاری از غیبت‌نویسان قرن چهارم و پنجم در گزارش‌های روائی خویش از این اصل استفاده نموده و در موارد متعددی به آن اشاره کرده‌اند.^۴

۳. اصل حسن بن محبوب و کتاب «المشیخه»^۵ (۱۴۹-۲۴۴هـ)

حسن بن محبوب سرّاد^۶ از فقهای اصحاب ائمه معصومین(ع) و از ارکان اربعه عصر خود^۷ و نیز از اصحاب اجماع^۸ که افتخار شاگردی سه تن از امامان شیعه یعنی امام کاظم،^۹ امام رضا^{۱۰} و امام جواد(ع)^{۱۱}

۱. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ص ۱۰۱-۱۰۵.
۲. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، همان، ص ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۲۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۶۷، ۳۷۷، ۳۷۵، ۳۷۳، ۴۱۶، ۴۳۳، ۴۴۷، ۵۵۰، ۵۷۶، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۵۷ و ۶۷۹.
۳. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۱.
۴. از جمله منابعی که از اصل سلیم استفاده نموده‌اند: نعمانی، الغیبه، حدیث ۸ ص ۷۴ و ح ۹ ص ۷۹ و ح ۱۰ ص ۸۰ و ح ۱۱ ص ۸۴ و ح ۱۲ ص ۸۵ و ح ۲۷ ص ۹۶، صدوق، کمال‌الدین، حدیث ۹۰ ج ۱ ص ۴۹۳ و ح ۱۰ ج ۱ ص ۴۹۴ و ح ۲۵ ج ۱ ص ۵۱۳ و ح ۳۷ ج ۱ ص ۵۳۲. طوسی، الغیبه، ح ۱۰۱ ص ۱۳۷، ح ۱۵۵، ص ۱۹۳ و ح ۱۵۷ ص ۱۹۴ و ح ۲۸۰ ص ۳۳۴.
۵. تهرانی، الذریعه، ج ۱۹، ص ۵۷، تستری، قاموس الرجال، ج ۳، ص ۳۴۹؛ خوئی، معجم الرجال، ج ۵، ص ۸۹.
۶. سرّاد به معنی زره‌ساز و شغل جدش بوده و در روایات، او را جصاص که شغل گچساز است نیز گفته‌اند. کلینی، الکافی، همان، چاپ بیروت، ج ۳، ص ۳۳؛ مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۱۳۵.
۷. ابی داوود، رجال، ص ۱۱۵.
۸. فقهای اصحاب ائمه را یونس بن عبدالرحمن، احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی، صفوان بن یحیی و حسن بن محبوب دانسته‌اند. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۱۳۵؛ فهیانی، معجم الرجال، ج ۳، ص ۱.
۹. اصحاب اجماع عده‌ای از راویان هستند که علما بر صحت روایات و نقل آنها اتفاق نظر دارند. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۶۲۴.
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۱۳۵؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴؛ ص ۱۰۱؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۶۲۴.
۱۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۳ - طوسی، همان.
۱۲. خوئی، معجم الرجال، همان، ج ۵، ص ۸۹.

را داشته و از شصت تن از اصحاب امام صادق (ع) نقل روایت نموده است.^۱ وی علاوه بر تربیت شاگردان بسیار،^۲ تألیفات ارزشمندی دارد؛ از آن جمله *المشیخه*^۳ که از اولین کتاب‌هایی است که در موضوع علم رجال نگارش یافته و حدود صدسال قبل از غیبت کبری، اخبار ولادت و غیبت امام زمان(عج) را در آن ثبت و ضبط نموده است^۴ و چنان نزد محدثین دارای اهمیت بوده که حداقل دو تدوین کننده داشته است: یکی احمد بن حسین بن عبدالملک که آن را براساس نظم الفبائی روات مرتب کرده و دیگری استاد کلینی، داوود بن کوره (کوزة) قمی که براساس اهمیت موضوع آن را مرتب کرده است.^۵ کتاب حسن بن محبوب همانند دیگر کتب اصحاب ائمه به دست ما نرسیده، اما طبرسی^۶ و مجلسی، اذعان می‌کنند که «این کتاب از تمام کتاب‌هایی که در زمان حضور امامان معصوم تدوین شده، مشهورتر بوده است.»^۷

علاوه بر این، برخی از مؤلفین شیعی با استناد به کتاب حسن بن محبوب و نیز برخی از اصولی که از سوی او نقل شده است، مباحث مهدویت و غیبت را دنبال کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به کلینی، صدوق، نعمانی، طوسی، طبرسی و مجلسی اشاره داشت،^۸ به طوری که او موضوع مخفی بودن و غیبت امام را و همچنین علائم ظهور ایشان را به نقل از ائمه معصومین برای اولین بار در فرهنگ حدیث نگاری شیعه قرار داده است.

به عنوان مثال، حسن بن محبوب قبل از وقوع غیبت و تقسیمات متداول آن، در حدیث معروفی به دو شکل غیبت امام زمان اشاره می‌کند و یکی را طولانی‌تر و یکی را کوتاه بیان می‌کند و طبرسی با استناد به

۱. طوسی، *الفهرست*، ص ۴۴ - خوئی، همان، ج ۵، ص ۸۹.
۲. شاگردان او می‌توان به حسن بن فضال، احمد بن محمد بن خالد برقی، حسین بن سعیداهوازی، فضل بن شاذان، علی بن مهزیار اهوازی اشاره نمود تستری، همان، ج ۳، ص ۳۴۹.
۳. از جمله کتابهای او، کتاب دیات، حدود، نکاح و طلاق، نوادر، فرائض، تفسیر و کتاب العتق است. خوئی، همان، ج ۵، ص ۸۵.
۴. تهرانی، *التدریج*، ج ۲۱، ص ۶۹.
۵. طبرسی، *اعلام الوری*، همان، ص ۴۴۴ - مجلسی، همان، ج ۵۱، ص ۳۶۵.
۶. نجاشی، همان، ص ۱۱۴ - طوسی، *الفهرست*، همان، ص ۱۷.
۷. طبرسی، همان، ص ۴۴۴.
۸. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۳۶۵.
۹. *الکافی*، ج ۱، ص ۳۶۸ ح ۱ و ج ۱ ص ۳۴۰ ح ۱۹ و ص ۳۳۳ ح ۲. نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۳۱ ح ۳ و ۲۹۳ ح ۱۰ و ۱۷۷ ح ۲۱ و ۱۸۰ ح ۲۸.
۱۰. *کمال الدین*، ص ۳۴۴ ح ۱۹ و ۶۵۲ ح ۱۴ و ۳۷۰ ح ۳ و ۴۸۱ ح ۹. طوسی، *الغیبه*، ص ۴۳۵ ح ۴۲۵ و ۴۳۹ ح ۴۳۱ و ۴۵۳ ح ۴۵۹ و ۴۵۴ ح ۴۶۱ و ۴۵۶ ح ۴۶۶ و ۳۳۲ ح ۲۷۴ و ۴۲۸ ح ۴۱۷ و ۴۷۸ ح ۵۰۵.
۱۱. طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۴۴ و ۴۱۶، مفید نیز به روایات حسن بن محبوب اشاره کرده است. *الارشاد*، همان، ج ۲، ص ۳۴۸ ح ۶ و ۳۲۷ ح ۴. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۱۱۷ ح ۴ و ج ۴ ص ۱۱۴ ح ۳۹ و ج ۵۳ ص ۱۰۰ ح ۱۲۱ و ص ۱۴۵ ح ۳ و ۵۲ ح ۳۳۱ و ۵۵ ح ۵۲ و ۹۹۷ ح ۲۰ و ص ۹۱ ح ۵.

این حدیث در باب اثبات غیبت چنین می‌نویسد: «شما ملاحظه کنید که با پیش آمدن دو غیبت برای فرزند حسن عسکری چگونه صدق این حدیث آشکار گشت.»^۱

به هر صورت اگرچه ابن محبوب در بطن آشوب کور واقفیه^۲ قرار داشت، بر خلاف برخی از روایان مهدویت و غیبت^۳ در آن غرق نشد و حق را شناخت و به آن تمسک جست و در این مسیر روایاتی را در رد واقفیه و گمراهی آنان برای دیگران نقل نمود.^۴ بهترین مؤید صداقت او، توثیقی است که از جانب امام رضا (ع) برایش صادر شد.^۵

۱-۳. اصل ابی سعید عباد العصفری (م ۲۵۰) و کتاب «اخبار المهدی»

درباره مذهب ابوسعید عبادبن یعقوب رواجی^۶ عصفری^۷ اختلاف نظر^۸ وجود دارد. کتب رجال شیعه او را عامی مذهب^۹ و منابع غیر شیعی او را صادق اما از غلات شیعه معرفی کرده‌اند^{۱۰} و به همین جهت از سوی

۱. کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۳۴۰ ح ۱۹ و نعمانی، الغیبه همان ص ۱۷۰ ح ۱ و طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۴۴.
۲. پس از درگذشت حضرت موسی بن جعفر به سال ۱۸۳ هـ گروهی از برجسته‌ترین یاران آن حضرت و وکلای او در نقاط مختلف مرگ امام را انکار کردند و معتقد شدند که امام زنده و از نظرها غایب شده و به عنوان قائم برای برپا ساختن عدل و مساوات به زمین باز خواهد گشت و لذا در جامعه شیعی به دلیل آنکه سیر امامت را در امام کاظم متوقف کردند به «واقفیه» شناخته شدند. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱؛ شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۶۷.
۳. مانند، علی بن ابی حمزه، بطائنی، علی بن حسن طاطری و حسن بن محمد سماعه که از واقفیه جانبداری کرده و در ذیل غیبت امام کاظم(ع) نیز کتاب‌هایی را نوشته‌اند. نجاشی، رجال، ص ۱۲ شماره ۱۳ و ۱۹ طوسی، الفهرست، ص ۲۷۳، شماره ۳۹۱ و ص ۱۴ و ص ۱۳۳.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۵.
۵. امام رضا (ع) برای حسن بن محبوب چنین نوشت: «همانا خداوند تو را به بهره‌مندی از حکمت تأیید کرد و آن را بر زبانت جاری ساخت. تو نیکو عمل کردی و به شاهراه حقیقت رسیدی، خداوند تو را به سر منزل هدایت رهنمون کند و کارهای خیر را بر تو آسان نماید و برای اطاعتش توفیقت دهد.» همان، ج ۸۸، ص ۳۱۱ ح ۳.
۶. شوشتری احتمال داده است که روا جن تیره‌ای از قبیله بنی اسد بوده است، تستری، قاموس الرجال، ج ۵، ص ۶۶۴.
۷. برخی از رجال یون او را با نام ابوسعید عبادالعصفری آورده‌اند و برخی دیگر او را با نام «عباد بن یعقوب الرواجنی» ذکر کرده‌اند و به نظر می‌رسد که این دو نام از آن یک نفر است. همان، ص ۶۶۳ و خوئی، معجم الرجال، ج ۹، ص ۲۱۰.
۸. از آنجا که مشایخ او را شریک نخعی، عبادبن عوام، اسماعیل بن عیاش، حسین بن زید بن علی علوی و حنان بن سدیر صرفی و ناقدان روایت او را بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، ابوبکر بزاز و ابن خدیجه ذکر کرده‌اند، در مذهب او اختلاف نظر وجود داد. ویلفرد مادلونگ، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۲۶۵.
۹. طوسی، الفهرست، ص ۱۷۶، ابن مطهر حلی، خلاصه‌الاقوال، ص ۱۱۷، مامقانی اصطلاح عامی مذهب را برای رواجی به معنای راهی برای پنهان نمودن عقاید او تفسیر نموده تا مخالفین (اهل سنت) به نقل احادیث او پرداخته و معتقد است که طوسی نیز به جهت تقیه او را عامی مذهب معرفی کرده است مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۳.
۱۰. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹ و ابن حجر، تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۱۰۹.

«هر دو طرف مطرود است.»^۱ جالب آنکه برخی^۲ او را از افراد سرشناس زیدیه جارودیه^۳ به شمار آورده‌اند.^۴ اما براساس داستانی که «مزی»^۵ از او نقل کرده است، شاید بتوان گفت که وی از عقاید زیدی خود دست برداشته و در زمره شیعیان امامیه و دوستداران حضرت مهدی(عج) قرار گرفته است. او می‌گوید: در خانه عباد شمشیری آویزان بود و به امید قیام حضرت مهدی(عج) و کارزار در کنار او، آن را از نیام خارج ساخته بود.^۶ علاوه بر این، طوسی از جمله تألیفات عباد کتاب «خبر المهدی» را بیان می‌کند.^۷

به هر صورت اصل عباد بن یعقوب از جمله اصول چهارصد گانه‌ای است که بخشی از آن برجای مانده^۸ و در آن حدیثی است که مربوط به غیبت امام زمان(عج) و حداقل ده سال قبل از وقوع آن صادر شده است؛^۹ از همین رو، کلینی، نعمانی، صدوق و طوسی به روایات مذکور، درذیل بحث عدد امامان، استناد می‌کنند^{۱۰} علاوه بر این، نویسندگان متأخر همچون طبرسی^{۱۱} و مجلسی^{۱۲} نیز بخشی از روایات او را در این باب آورده‌اند.

۲-۳. القائم: ابن مهزیار (م ۲۵۴)

علی بن مهزیار اهوازی^{۱۳} از اصحاب امام هشتم^{۱۴} و نیز از یاران خاص امام جواد(ع) و امام هادی(ع) که زمان آن دو امام از جانب ایشان و کالت اهواز را به عهده داشته^{۱۵} و توقیعات بسیاری برای او از سوی

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۹، ص ۵۳.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۷۳.

۳. فرقه جارودیه منسوب به ابی جارود (م ۱۵۰) که در کوفه به زید بن علی پیوست و امامت او را پذیرفت.

۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۲.

۵. یوسف بن عبدالرحمان بن یوسف ملقب به جمال الدین قضاعی کلبی مزی (۶۵۴ - ۷۴۲ ه) نویسنده تہذیب الکمال فی أسماء الرجال، دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه.

۶. «و کان عباد مکفوفاً و رایت فی داره سیفاً معلقاً و حنفاً فقلت ایها الشیخ لمن هذا السیف فقال لی: اعددتہ لاقاتل به مع المهدی» عسقلانی، ج ۸، ص ۴۲۴؛ المزی، ج ۱۴، ص ۱۷۸.

۷. طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳، شماره ۵۴۲ و آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۳۵۲.

۸. روایت از این اصل بجامانده که تمامی آنها بحز روایت ۱۷ و ۱۸ مربوط به مسائل اعتقادی بویژه مسئله امامت و غضب خلافت است این اصل در کتابی تحت عنوان الاصول الستہ عشر توسط دارالحدیث قم به سال ۱۴۲۳ چاپ شده است.

۹. جاسم حسین، همان، ص ۲۲.

۱۰. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳۴ ح ۱۸ و ج ۱، ص ۵۳۰ ح ۶ و ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۷. نعمانی، الغیبه، همان، ص ۱۲۱. صدوق، کمال الدین، ما اخبر به سید العابدین من وقوع الغیبه. ۹. طوسی، الغیبه، ص ۱۳۹ ح ۱۰۳ و ص ۱۷۵ ح ۱۳۰.

۱۱. طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۷۱.

۱۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۰۲ و ۱۴۶.

۱۳. برای زندگینامه، رک، نجاشی، همان، ص ۲۵۵، ش ۶۴۴ و خوئی، معجم الرجال، ج ۱۲، ص ۱۹۲.

۱۴. طوسی، رجال، ص ۳۶۰، ش ۵۳۳۶، نجاشی، همان.

۱۵. طوسی، الغیبه، ص ۳۴۹، ش ۳۰۶.

آنها بازگو شده است.^۱ وی نزد ۵۵ تن از راویان از جمله، محمد بن ابی عمیر و علی بن فضال و ابان بن عثمان تلمذ نموده^۲ و بیش از چهارصد و سی حدیث از او در کتب معتبر حدیثی آورده شده است^۳ که از آن جمله می‌توان به روایات متعددی که از او درباره ولادت و وفیات ائمه معصومین که در کتاب کافی نقل شده است اشاره کرد.^۴

طوسی، از میان مجموع کتاب‌های متعدد او^۵ به کتاب *القائم و الملاحم* که به موضوع مهدویت اختصاص یافته است، اشاره می‌کند. مازندرانی نیز به کتاب دیگری از او با نام *التنبیه من الحیره و التنبیه*^۶ اشاره می‌کند. و احتمالاً این کتاب نیز پیرامون امام زمان(عج) تدوین گردیده است.

به نظر می‌رسد انگیزه نویسنده کتاب «*القائم*»، پاسخی به جدال‌های واقفیان در مورد هویت قائم و نیز پژوهشی پیرامون اثبات وجود امام زمان و آثار قیام آن حضرت بوده باشد.^۷ از کتاب‌ها و رسائل علی بن مهزیار امروزه هیچ اثر مستقلی وجود ندارد، اما غیبت‌نویسان بعد از او - همچون کلینی، نعمانی، مفید، صدوق و طوسی^۸ - با استفاده از آثار او، روایات بسیاری را در زمینه مهدویت خصوصاً بحث اثبات ولادت^۹، دیدار امام زمان(عج) در زمان غیبت صغری^{۱۰}، نص بر آن حضرت^{۱۱} و شک و تردیدهایی که برای برخی از شیعیان درباره آن حضرت وجود داشته^{۱۲} را در کتاب‌هایشان آورده و به وسیله این روایت‌ها، ضد مخالفین احتجاج نموده‌اند.

به هر ترتیب و با توجه به گزارش‌های ضد و نقیضی که از تاریخ وفات او ارائه شده است، آنچه صدوق^{۱۳}

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۵۵، ش ۶۶۴.

۲. خوی، معجم الرجال، ج ۱۲، ص ۲۱۷.

۳. همان.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۷ و ۵۱۸.

۵. طوسی، الفهرست، ص ۳۸۱، ۴۰۳ و ۴۱۷؛ نجاشی، رجال، ص ۲۵۵، ش ۶۶۴.

۶. مازندرانی، معالم العلماء، ص ۸۱.

۷. م - علی بیوکار، علوم حدیث، ش ۳۰، ص ۱۸۴.

۸. کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۲۶ و ص ۳۸۴ شماره ۵ و ص ۵۱۸. نعمانی، همان، ص ۸۸ ح ۱۹، ص ۱۷۱ ح ۳، ص ۲۵۷ ح ۱۶ و ۱۷ و ص ۲۶۹ ح صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۱۲ - ۱۳ و ۱۸ - ص ۲۲۴ ح ۲۰ - ص ۲۳۳ ح ۴۲ - ص ۳۸۰ ح ۲ و ۳، ج ۲ ص ۴۴۲، ج ۱۶، ح ۲، ص ۴۴۵، ح ۱۹ و ص ۴۶۵، ح ۲۳ - ص ۴۸۳، ح ۴ - ص ۴۸۷ ح ۸ - ص ۵۰۱، ح ۲۷ و ص ۶۴۹، ح ۱۴۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۶ و ص ۳۵۵. طوسی، الغیبه، همان، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷، ص ۳۶۳، ح ۳۲۵ و ص ۲۸۱، ص ۳۴۹، ص ۴۵۳ و ص ۲۶۳.

۹. کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۶۲ و ص ۳۸۴.

۱۰. طوسی، الغیبه، ص ۲۶۳ و ص ۴۴۲، مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۹.

۱۱. نجاشی، همان، ص ۲۵۵، ش ۶۶۴.

۱۲. کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۲۶ و ص ۳۸۴، صدوق، همان، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۱.

۱۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۵، ص ۴۶۵ و ۴۷۰.

و طوسی^۱ درباره ملاقات او با امام زمان(عج) آورده‌اند، نمی‌تواند صحیح باشد و مربوط به برادر یا برادرزاده او بوده است. بنابر گزارش‌های تاریخی، نه تنها علی بن مهزیار در تدوین مباحث مهدویت مؤثر بوده است، بلکه خاندان او نیز پس از مرگش بخشی از تاریخ و فرهنگ شیعه را در سال‌های پایانی امامت امام عسکری(ع) و تمام دوران عصر غیبت صغری به خود اختصاص داده‌اند، به طوری که برادرش ابراهیم و برادر زاده‌اش محمدبن ابراهیم علاوه بر اینکه از اصحاب امام جواد و امام هادی بوده‌اند^۲، از سوی امام عسکری به وکالت اهواز منصوب^۳ و در دوره‌ای از غیبت صغری نیز از ناحیه مقدسه و نایبان امام عصر(عج) در این سمت حضور داشته‌اند و همچنین موفق به ملاقات با امام نیز گردیده‌اند^۴.

حسن بن علی بن مهزیار و محمدبن حسن بن علی و نواده علی بن مهزیار نیز از روایان حدیث شیعه و از فقها و محدثین دوره غیبت می‌باشند و روایات ابن مهزیار را نقل کرده‌اند^۵.

ب - تدوین کتب روایی از زمان ولادت تا پایان غیبت صغری

بدون تردید موضوع ولادت امام زمان(عج) نزد علمای شیعه امری مسلم بوده است و در رخداد این اتفاق خجسته هیچ شک و شبهه‌ای نداشته‌اند؛ لذا برای تنویر اذهان عموم جامعه اسلامی به تدوین کتاب‌های بسیاری پیرامون موضوع ولادت آن حضرت پرداخته‌اند و در این میان برخی از دانشمندان شیعی اهتمام به نوشتن تک‌نگاره‌هایی در زمینه اثبات موضوع کرده‌اند. امروزه از این کتاب‌ها اثری نیست، اما فهرست‌نویسان شیعی به نام آنها و برخی از خصوصیات و ویژگی‌های آنان اشاره کرده‌اند؛ در ادامه به طور اجمال برخی از آنها را مد نظر خوانندگان عزیز قرار خواهیم داد.

۱. القائم، اثر فضل بن شاذان نیشابوری (م ۳۶۰ق)

فضل بن شاذان^۶ نیشابوری، از مشایخ حدیث همچون محمدبن ابی عمیر، حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب، احمد بن محمدبن ابی نصر بزنطی، صفوان بن یحیی و نصر بن مزاحم منقری کسب فیض نمود^۷ و بر همین اساس برخی از رجال یون او را از اصحاب امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) دانسته‌اند^۸. به همین دلیل او در اواخر دوره حضور ائمه طاهریین (ع) یعنی عصر امام یازدهم

۱. طوسی، الغیبه، همان، ص ۱۵۹-۱۶۱.

۲. طوسی، رجال، ص ۳۷۴، ش ۵۵۳۲ و ص ۳۸۳، ش ۵۶۳۹ و ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۷.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، ح ۱۶.

۴. همان، ص ۴۸۷، ح ۷.

۵. خوبی، همان، ح ۱۲، ص ۲۱۷.

۶. گزارش شاذان و شاذان، رک. احمد پاکتچی، ابن شاذان، دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۴، ص ۵۰ ذیل مدخل. فریدون جنیدی، فضل بن شاذان نیشابوری و نبرد اندیشه‌ها در ایران پس از اسلام، ص ۷.

۷. نجاشی، همان، ص ۳۰۷ و طوسی، فهرست همان شماره ۵۶۴، ص ۳۶۱.

۸. صدوق، علل الشرایع همان باب ۱۸۳، ص ۹۳، مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۵۸، ۸۵. طوسی، رجال، ص ۴۲۲، ح ۴۰۳، ص ۳۹۰، شماره ۵۷۴۰ ح ۲، ص ۸ ص ۴۰۱ شماره ۵۸۸۱، ۰۷ و ۸۲۰؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸؛ میرلوحی، کفایة المتهتدی، همان، ص ۴۴۸.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

وقبل از غیبت امام زمان (عج) جامع‌ترین و بزرگ‌ترین دانشمند شیعی در خراسان به شمار می‌رفته است. درباره روابط فضل بن شاذان با امام عسکری (ع)، گزارش‌های ضد و نقیض بسیاری در متون روایی بیان شده است، اما گزارش کثی، حکایت از ارتباط دورادور فضل با امام عسکری (ع) و طلب رحمت و غفران برای او در دیدار با «مرد بوزجانی» دارد و از سوی دیگر اعتمادش به روایات فضل،^{۱۱} بهترین دلیل بر توثیق او و روایاتش است، به طوری که هرگونه شک و شبهه‌ای را از او دور می‌کند. علاوه بر این، فضل بن شاذان از جمله متکلمانی است که مورد ستایش نجاشی و طوسی قرار گرفته؛^{۱۲} لذا طوسی بر خلاف کسانی که او را به غلو و تفویض متهم نموده‌اند^{۱۳}، اساس تعالیم کلامی فضل را پس از شهادتین، اقرار به حجت خدا دانسته و معتقد است که کلیات عقاید او در باب امامت با عقاید امامیه تطابق کامل دارد، چرا که او استحقاق امامت را به نص می‌داند و امام را مفترض الطاعه می‌شمارد و قائل به اساس رجعت است.^{۱۴}

شاید آنچه باعث تردید در مقام و جایگاه فضل در برخی از گزارش‌ها شده است^{۱۵} را بتوان در رابطه نزدیک او با سایر مذاهب و فرقه‌های شیعی همچون واقفیه و فطحیه دانست^{۱۶}. اما ردیه‌هایی که فضل ضد این گروه‌ها نوشته،^{۱۷} هرگونه شک و تردید را از او دور کرده و او را پیراسته می‌گرداند. به طور کلی با رجوع به فهرست عناوین کتاب‌های فضل، در فهرست موجود^{۱۸} می‌توان چنین استدراک نمود که بیشترین حوزه مطالعاتی، تحقیقاتی و نوشتاری او را علاوه بر دفاع از معتقدات شیعی با تدوین ردیه‌های متعدد ضد فرقه‌ها و مذاهب مختلف^{۱۹}، مبحث امامت و اثبات آن تشکیل می‌دهد؛ پس با توجه به حضور او در دوره پایانی حیات ائمه معصومین خصوصاً امام عسکری (ع) تلاش گسترده‌ای را برای اثبات مهدویت و ولادت امام زمان انجام داده

۹. در این اخبار امام او را چنین مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند «کذبوا لعنهم الله! وافتروا ائماً عظیماً» در حالی که در گزارش‌های دیگری امام درباره فضل بن شاذان چنین فرموده‌اند: «اغبط اهل خراسان فضل بن شاذان و کونه بین اظهرهم». طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۵، ش ۱۰۲۶، تستری، همان، ج ۸، ص ۴۰۹ و ج ۴، ص ۴۰۴ و ۴۰۸، حلی، خلاصه الاقوال، ص ۲۲۹ شماره ۷۶۹.

۱۰. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۳، شماره ۱۰۲۳ و ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸.

۱۱. نجاشی، رجال، ص ۳۰۶، شماره ۸۴۰ و طوسی، فهرست، ص ۳۶۱، شماره ۵۶۴.

۱۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۷، شماره ۱۰۲۸.

۱۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان، ج ۴، ص ۵۰.

۱۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۵، شماره ۱۰۲۶.

۱۵. در برخی از اسناد، علی بن ابی‌سوط را از مشایخ قطعی او و عبدالله بن قاسم جعفری و عبدالله بن جبلة را از مشایخ واقفی او دانسته‌اند؛ لذا در برخی از کتاب‌های رجالی نسبت فطحی و یا واقفی به او داده‌اند. طوسی، الغیبه، همان، ص ۴۳۸، اختیار معرفة الرجال، همان، ص ۹۷۶.

۱۶. طوسی، فهرست، ص ۳۶۱، ش ۱۰۲۸؛ نجاشی، رجال، ص ۳۰۶، ش ۸۴۰.

۱۷. مازندرانی، معالم العلماء، ص ۸۱ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان، ج ۴، ص ۵۱.

۱۸. رک به مجموع عناوین کتاب‌های فضل در فهرست طوسی، ص ۳۶۱ و رجال نجاشی، ص ۳۰۶.

و در این زمینه کتاب‌های متعددی همچون کتاب الملاحم^۱، کتاب القائم^۲ کتاب الغیبه^۳ و کتاب اثبات الرجعه^۴ را تدوین نموده است.

اهمیت کتاب‌های فوق چنان است که نویسندگان بسیاری همانند مفید^۵، نیلی^۶، میرلوحی^۷، مجلسی^۸ و میرزا حسین نوری^۹ در تدوین مبانی مهدویت به طور مستقیم یا غیر مستقیم و نیز با تلخیص برخی از آنها، به عنوان منابع اولیه حدیثی مورد استفاده قرار داده، به طوری که کتاب‌هایشان مشحون از مطالبی است که فضل در این زمینه بیان کرده است.

فلذا بجرأت می‌توان گفت قدیمی‌ترین اثر شیعی که به موضوع مهدویت و ولادت امام زمان پرداخته و اکنون به دست ما رسیده است، کتاب القائم ابن شاذان است^{۱۰}. همچنانکه به نظر می‌رسد، وی این کتاب را قبل از ولادت و غیبت حضرت مهدی(عج) تدوین کرده است و نسخه‌هایی از آن در قرون گذشته موجود بوده و در دسترس علمای شیعه قرار داشته است^{۱۱} ولی متأسفانه در دوره کنونی خبری از آنها نیست و همانطور که گفته شد تنها مقداری از آن اثر در ضمن تألیفات دانشمندان قرون متأخر دیده می‌شود^{۱۲}.

به هرحال، محدثین شیعه خصوصاً نویسندگان قرن چهارم و پنجم که آثار ارزشمندی را پیرامون ولادت و غیبت امام مهدی(عج) تدوین نموده‌اند روایات متعددی را در این زمینه از فضل بن شاذان ثبت نموده‌اند، بگونه‌ای

۱. نجاشی، همان، ص ۳۰۶، تهرانی، الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۸۹.
۲. آغابزرگ معتقد است: عقاید این کتاب همان کتاب الحجج فی ابطاء القائم نیلی است. تهرانی، الذریعه، ج ۱۷، ص ۱.
۳. طوسی، همان، ص ۳۶۱ و نجاشی، همان، ص ۳۰۶ و مازندرانی، همان، ص ۸۱ و تهرانی، همان، ج ۱، ص ۹۳.
۴. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۰، ص ۳۷۹.
۵. همان.
۶. ر.ک: بهاء الدین نیلی، سرور اهل الایمان، تحقیق، قیس العطار، ۱۴۲۶ دلیل ما، ص ۳۷ و ص ۶۲، ص ۱۱۹، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۸۵، ج ۵۲، ص ۲۱۳.
۷. آغابزرگ معتقد است: «کتاب الرجعه همان کتاب الغیبه است و نزد سید محمد میرلوحی موجود بوده و شالوده کتاب کفایة المهتدی او از این کتاب تشکیل شده و بیش از ۲۵ حدیث از چهل حدیث آن از فضل بن شاذان است. میرلوحی، کفایة المهتدی، همان از ص ۴۲۹، تا ص ۶۸۱، تهرانی، همان، ج ۱۶، ص ۷۸.
۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۲، ج ۲۶، ص ۱۵۳ و ۳۱۷، ج ۲۷، ص ۳۰۷ و ج ۵۳، ص ۹۸.
۹. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۳ و تهرانی، همان، ج ۱۸، ص ۱۱.
۱۰. علی کوردانی، عصر ظهور، عباس جلالی، چاپ ۵، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۳۷۵، ص ۳۹۳.
۱۱. همان.
۱۲. بهاء الدین نیلی، سرور اهل الایمان، ص ۶۲، ص ۱۱۹، طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳ و ۳۵۸.

که اساس کتاب‌های طوسی^۱، نعمانی^۲ و صدوق^۳ قرار گرفته است و در موضوعات مختلفی مانند ولادت حضرت مهدی(عج)^۴، صفات و سیرت^۵ ایشان، عمر شریف آن حضرت^۶، غیبت^۷ و عللی که مانع از ظهور ایشان است^۸ و نیز تعیین وقت ظهور^۹ و علائم آن^{۱۰} و چگونگی خروج آن حضرت^{۱۱} با اسناد بسیار معتبر^{۱۲} از او ذکر کرده‌اند. نکته قابل تأمل درباره احادیث فضل آن ست که اگرچه وی در دوره ولادت آن حضرت حضور داشته، هیچ‌گونه اشاره‌ای به زمان ولادت و چگونگی آن ننموده است و لذا شاید بتوان عدم حضور او در سامرا و بعد مسافت یا وظیفه کتمان و تقیه را در این خصوص، دلیل عدم توجه او به مسائل مذکور دانست.

۲. الغیبه، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰)

ابوالحسن علی^{۱۳}، همچون پدرش در ابتدا فطحی مذهب^{۱۴} بود، اما پس از چندی از عقیده‌اش بازگشت و

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶ و ۴۷۱.
۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۷۱، ۲۷۷، ۲۸۹، ۲۹۰.
۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۳۹، ۳۷۸، ۳۴۷، ۴۸۱.
۴. طوسی، همان، ص ۱۸۹، ح ۱۵۲، ص ۱۹۰، ح ۱۵۳ - نعمانی، همان، ص ۲۱۴، ح ۲، صدوق، همان، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲.
۵. طوسی، همان، ص ۴۷۰، ح ۴۸۶، ص ۴۷۱، ح ۴۸۸ - ۴۹۸ و ۵۰۵، نعمانی، همان، ص ۲۳۴، ح ۲۲، مفید، همان، ج ۲، ص ۳۶۵.
۶. طوسی، همان، ص ۴۲۲، ح ۴۰۳، ص ۴۲۳، ح ۴۰۶، ص ۴۲۷، ح ۴۱۶ و ص ۴۲۵، ح ۴۱۰، نعمانی، همان، ص ۱۵۵، ح ۱۴، ص ۱۷۲، ح ۶، با اختلاف کمی، ص ۱۵۶، ح ۱۸ با سند عیسی بن عبدالله علوی، صدوق، همان، ۳۷۸، ح ۳، مجلسی، همان، ح ۵۱، ص ۲۲۴ و ص ۲۲۵ و ص ۱۵۴ و ج ۵۲، ص ۱۵۴ ح ۱۱.
۷. طوسی، همان، ص ۱۶۱، ح ۱۱۸، ص ۱۶۲، ح ۱۲۰، ۱۲۱، نعمانی، همان، ص ۱۸۸، ح ۴۲، ص ۱۷۱، ح ۵، کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۵ به سند محمد بن مسلم، مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۵، ص ۱۵۳، ح ۶.
۸. طوسی، همان، ص ۳۳۳، ح ۲۷۴، ص ۳۳۵، ح ۲۸۱ و ص ۳۳۷، ح ۲۸۵، نعمانی، همان، ص ۱۷۷، ح ۲۱، ص ۲۰۸، ح ۱۶، و ص ۱۵۲، ح ۹، صدوق، همان، ج ۱، ص ۴۸۱، ح ۹ و ص ۲۴۶، ح ۳۲ و ۳۴۷ ح ۳۵ و مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۱۲، ح ۲۳ و ص ۲۸۱، ح ۹.
۹. طوسی، همان، ص ۴۲۵، ح ۱۱، ص ۲۴۶، ح ۱۱۲ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ص ۴۲۷، ح ۴۲۶، ص ۴۲۸، ح ۴۱۷ و ۴۱۸ و ص ۴۳۱، ح ۴۲۲، نعمانی، همان، ص ۲۸۹، ح ۳ به اسناد محمد بن مسلم، ص ۲۹۰، ح ۷ و کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۵، با سند عبدالکریم بن عمر و خثعمی و مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۰۳، ح ۶، و ص ۱۰۴، ح ۸.
۱۰. طوسی، همان، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵ و ص ۴۳۷، ح ۴۲۸ و ۴۲۹ و ص ۴۳۸، ح ۴۳۰ و ص ۴۴۱، ح ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹ و ص ۴۴۶، ح ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، نعمانی، همان، ص ۲۰۵، ح ۹، با اسناد حسین بن علی و ص ۲۷۱، ح ۴۵ و صدوق، همان، ج ۲، ص ۳۵۸، با اسناد حسن بن علی الوشاء و ص ۳۵۹ و مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۰۹، ح ۴۷ و ۲۱۱، ح ۵۸ و ۲۱۲، ح ۶۰ و ۶۱، ص ۲۱۳، ح ۶۷، و کلینی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۸.
۱۱. طوسی، همان، ص ۱۷۷، ح ۱۳۴، ص ۱۸۵، ح ۱۴۴، مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۵، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.
۱۲. تستری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۸۵.
۱۳. نجاشی، رجال، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶.
۱۴. فطحیه یا افطحیه معتقد به امامت عبدالله بن امام جعفر صادق ملقب به افطح الرأس یا افطح الرجل، هستند.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

به امامیه پیوسته، از خواص اصحاب امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) شد.^۱ طوسی او را فطحی و مورد اطمینان،^۲ و نجاشی او را توصیف کرده است. به همین دلیل بسیاری از روایات او در منابع رجالی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳ در میان سی و پنج کتابی که به ابن فضال نسبت داده‌اند، دو کتاب الملاحم و کتاب الغیبه^۴ قابل توجه است، چرا که در موضوع مهدویت نگاشته شده و نعمانی، طوسی و صدوق^۵ به برخی از احادیثی که او از ائمه معصومین در ذیل مباحث آورده است، اشاره کرده‌اند. البته این نکته را نباید نادیده گرفت که علاوه بر علی بن حسن، برخی از محدثین خاندان فضال^۶ نیز در ردیف اصحاب خاص ائمه قرار دارند.^۷ و شاید به دلیل کثرت وجود کتاب‌های ابن فضال در خانه‌های مردم کوفه، در دوران غیبت صغری است که حسین بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان از امام حسن عسکری (ع) روایت می‌کند: «آنچه را ابن فضال از ائمه روایت کرده‌اند بپذیرید و آنچه را خودشان گفته‌اند، رها کنید».^۸ گذشته از ابومحمد، پدرش حسن بن علی فضال نیز احادیث متعددی را در باب ولادت^۹ و غیبت و ظهور امام زمان^{۱۰} (عج) در کتب حدیثی بیان کرده است.

دهخدا، همان، ذیل واژگان.

۱. طوسی، الرجال، ص ۳۸۹، شماره ۵۷۳۰.
۲. طوسی، فهرست، ص ۲۷۳، ش ۳۹۲.
۳. نجاشی، همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶.
۴. تستری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۱۵.
۵. طوسی، فهرست، ص ۲۷۳، ش ۳۹۲ و نجاشی، همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶.
۶. نعمانی، همان، ص ۲۵ و باب ۵، ص ۱۱۳ و باب ۲۰، ص و طوسی، الغیبه، ص ۶۶، ۶۸ و ۱۹۴، ح ۱۵۷۳۳۰. صدوق، کمال‌الدین، همان، ج ۱، ص ۲۱۳، باب ۲۲، ص ۳۷۰، باب ۳۵، ص ۳۹۱، باب ۳۹، ص ۴۱۶، باب ۴۰، ص ۴۶۸، باب ۵۶.
۷. از خاندان فضال می‌توان به حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴) و احمد بن حسن بن علی (م ۲۶۰) و حسین بن احمد بن حسن بن علی و محمد بن حسن بن علی فضال متوفای ۳۴۱ اشاره نمود. دائرة المعارف شیعه ذیل بنی فضال.
۸. طوسی، رجال، ص ۳۵۴، ص ۳۸۳، ۳۹۷ و الغیبه، ص ۶۶، ح ۶۹.
۹. «خذوا بمارووا و ذرووا ماراوا»، طوسی، الغیبه، همان، ص ۳۸۹، ح ۳۵۵.
۱۰. نعمانی، الغیبه، ص ۴۲، ح ۴، باب اول، ص ۵۰، ح ۲، باب دوم، ص ۱۱۳، ح ۵، باب ۵، و ص ۶۰، ح ۴، طوسی، الغیبه، ص ۱۶۵، ح ۱۲۷، صدوق، کمال‌الدین، ص ۲۸۸، ح ۱.
۱۱. نعمانی، همان، ص ۱۶۱، ح ۳، باب ۱۰ و ص ۲۵۸، ح ۴، باب ۱۴ و ص ۲۶۰، ح ۱۴، باب ۱۴، ص ۳۱۰، ح ۱، باب ۱۸ و ص ۳۳۰، ح ۱۲، باب ۲۰، ص ۳۴۲، ح ۱، باب ۲۴ و صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۲، طوسی، همان، ص ۴۲، ح ۲۴، ص ۱۷۷، ح ۱۳۴، ص ۳۴۶، ح ۲۹۶ و ص ۴۴۵، ح ۴۴۰ و مفید، الارشاد، همان، ج ۲، ص ۲۴۹ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۲۶، ح ۴۵ و ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۵ و ج ۴۷، ص ۳۴۲، ح ۳۱.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

۳. کتاب الغیبه، ابن عیاش سمرقندی (م ۳۲۰)^۱

ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی، از مشایخ و اساتید کلینی بوده است. او در ابتدا سنی مذهب بوده و سپس به تشیع گرویده. طوسی و نجاشی وی را تصدیق نموده‌اند. تألیفاتش بالغ بر دویست کتاب بوده است.^۲ عیاشی پس از آنکه به مذهب تشیع گروید، تمامی ارث به جامانده از پدرش را که سیصد هزار دینار بود، در راه علم و حدیث اهل بیت (ع) انفاق نمود.^۳ و از آنجا که در دوره غیبت صغری زندگی می‌کرده، برای گسترش فضائل ائمه، تألیفاتی را در این زمینه انجام داده و از آن جمله، *دلائل الائمة* است. علاوه بر این نجاشی و ابن شهر آشوب، کتاب *الغیبه* را از جمله تألیفات او دانسته‌اند.^۴

۴- اخبار القائم، علان بن رازی کلینی (م ۳۲۸)

ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم^۵ بن ابان معروف به علان رازی کلینی (م ۳۲۸)، یکی از مشایخ ثقة الاسلام کلینی است که به واسطه او احادیثی را از سهل بن زیاد نقل می‌کند. وی علاوه بر آنکه استاد کلینی بوده و در کلین به تدریس می‌پرداخته، تألیفاتی را نیز انجام داده که از آن جمله کتاب *اخبار القائم* است.^۶

نجاشی می‌نویسد: علان در راه مکه به دست مخالفان شهید شد و پیش از آنکه عازم مکه شود از مقام مقدس حضرت ولی عصر اجازه خواست و از سوی آن حضرت توقیعی صادر شد «توقف عنه فی هذه السنة» امسال از مسافرت حج خودداری کن، ولی علان با این تصمیم مخالفت کرد و سرانجام کشته شد.^۷ شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* احادیث متعددی را از علان خصوصاً در بحث اثبات ولادت صاحب الزمان (عج) نقل می‌کند.^۸

۵. کتاب الحججه، ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹)

ثقة الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی^۹، توانست نخستین کتاب از کتب اربعه و اولین

۱. برای زندگینامه ابن عیاش، ر.ک، مدرس، *ریحانة الأدب*، ج ۴، ص ۲۲۱.
 ۲. خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۶، ص ۱۲۹.
 ۳. طوسی، *الفهرست*، ص ۳۹۶، شماره ۶۰۵ و نجاشی، *رجال*، ص ۳۵۰، شماره ۹۴۴. مازندرانی، *معالم العلماء*، ص ۸۸، شماره ۶۴۴.
 ۴. همان، مدرس، *ریحانة الأدب*، ج ۴، ص ۲۲۰.
 ۵. نجاشی، همان، ص ۳۵۰، شماره ۹۴۴.
 ۶. در برخی از کتب رجالی او را به نام احمد بن ابراهیم رازی کلینی آورده‌اند. طوسی، *رجال*، شمار ۵۹۲۰، آغاز برگ طهرانسی، *الذریعه*، ج ۱، ص ۳۴۵ و مدرس، *ریحانة الأدب*، ج ۳، ص ۱۸۱ و تستری، *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۳۷۴، خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۶، ص ۱۱۸.
 ۷. نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۱، شماره ۶۸۲ و تهرانی، *الذریعه*، ج ۱، ص ۳۴۵.
 ۸. نجاشی، همان.
 ۹. طوسی، *الغیبه*، همان، شماره‌های ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶.
 ۱۰. برای زندگینامه کلینی، ر.ک، طوسی، *الفهرست*، ص ۴۸، شماره ۷۵ و *الرجال*، همان، ص ۲۶۶، شماره ۳، نجاشی،

مجموعه و دائرة المعارف مشهور حدیثی به نام *الكافی* را پدید آورد. اهمیت کتاب مذکور از آن جهت است که وی این کتاب را در زمان غیبت صغری تدوین نموده، به گونه‌ای که «همانند آن در اسلام تصنیف نگردیده است». کلینی بخش عظیمی از کتاب *کافی* را تحت عنوان کتاب *الحججه* به موضوع امامت ائمه معصومین اختصاص داده و در بخش پایانی آن به موضوعات مختلفی در رابطه با ولادت امام زمان و غیبت آن حضرت پرداخته است.

کلینی علاوه بر آنکه احادیث متعددی را در کتاب *الحججه* برای اثبات امامت ائمه معصومین (ع) بیان می‌کند، در یک باب به نصوصی می‌پردازد که با آن امامت حضرت حجت را بیان کرده‌اند و عنوان باب اشاره و النص الی صاحب الدار(ع) دارد. عدم تصریح به اسم امام در باب مذکور بر خلاف سایر ائمه، بیانگر آن است که در زمان کلینی با صراحت نام آن حضرت را ذکر نمودن جایز نبوده است و این سنت - چنان که اشاره خواهیم نمود - در نوشته‌های قرون بعد نیز رعایت گردیده است.

کلینی در ادامه دلایل بر اثبات وجود حضرت حجت به پانزده حدیث اشاره می‌کند و از کسانی نام می‌برد که آن حضرت را زیارت کرده‌اند، وی نام این افراد را در ذیل احادیث مذکور بیان می‌کند و سپس بابتی را تحت عنوان «باب فی الغیبه» آورده است که در آن ۳۱ روایت را درباره غیبت امام زمان(عج) و خصوصاً روایاتی که اشاره به دو غیبت صغری و کبری داشته را ارائه می‌دهد.^۲

مطالعه کتاب *الحججه* از آن جهت ارزشمند است که اطلاعات مهمی را در زمینه بحث غیبت بین سال‌های ۲۶۰ - ۳۲۹ هـ با تأکید خاص بر نقش سفرای امام در این دوره در اختیار خواننده قرار می‌دهد. کلینی احادیث منسوب به امامان را درباره غیبت امام دوازدهم که از راویان و نویسندگان قبل از خود، خصوصاً راویان واقعی و امامی همچون حسن بن محبوب، عبدالله بن یعقوب عصفری و حسن بن سماعه نقل می‌کند. گذشته از این، به نظر می‌رسد مأخذ اطلاعات او در فعالیت‌های پنهانی شیعیان، نواب اربعه بوده‌اند.^۳

۶. کتاب الغیبه: ابو محمد طبری مرعشی (م ۳۵۸)

ابو محمد حسن بن حمزه مرعشی^۴ از بزرگان طایفه شیعه و فقهای ارزشمند آنان است و او را از جمله اساتید مفید دانسته‌اند.^۵ وی دارای کتاب‌های متعددی است، از جمله کتاب *الغیبه*^۶ که تا قرون متأخر موجود بوده است، زیرا

همان، ص ۵۶ حلی، خلاصه الاقوال، ص ۷۱، خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۶، ص ۱۱۶، نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۵۲۶.

۱. تهرانی، *الذریعه*، ج ۱۷، ص ۲۴۵.

۲. کلینی، *الكافی*، همان، رک: کتاب الحججه.

۳. جاسم حسین، همان، ص ۲۴.

۴. برای زندگینامه مرعشی، ر. ک؛ مدرس، *ریحانه الأدب*، ج ۵، ص ۲۸۷.

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۶۴، شماره ۱۵۰ و مازندرانی، *معالم العلماء*، ص ۳۱، شماره ۲۱۵.

۶. مجلسی، *بحار الانوار*، مقدمه، ص ۷۱.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۶۴، شماره ۱۵۰، مازندرانی، *معالم العلماء*، ص ۳۱، ش ۲۱۰.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

میرلوحی صاحب کتاب کفایةالمهتدی معاصر علامه محمدباقر مجلسی از این کتاب روایاتی را نقل نموده^۱ و میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک تصریح نموده که این کتاب موجود است^۲.

دوره دوم - جهاد علمی علمای شیعه در جهت رفع حیرت اجتماعی

از نظر علمای شیعه، دوران حیرت شیعی به سده نخست غیبت امام زمان (عج) اطلاق می‌شود و این دوره از ابتدای غیبت صغری شروع گردیده و علاوه بر ۶۹ سال غیبت صغری، ۳۱ سال پس از آن را نیز شامل می‌گردد.

در واقع یکصد سال بعد از غیبت امام زمان (عج)، نزد علمای شیعه به دوران حیرت مشهور است، اما بر اساس برخی از گزارش‌های تاریخی، سال‌های پایانی این دوره بیشتر از زمان‌های دیگر آن، حیرت و سردرگمی شدت یافت، چرا که جامعه شیعی انتظار بازگشت سریع امام زمان را داشت و مخالفان شیعی - خصوصاً بزرگان معتزله و زیدیه که به امامت ائمه معصومین(ع) قائل نبودند - با ایجاد شبهات به اختلافات و سست کردن ریشه‌های پذیرش مسئله امامت و غیبت امام و ظهور آن حضرت دامن می‌زدند و این عامل و عوامل دیگر، منجر به پدید آمدن گروه‌ها و فرقه‌های مختلفی در جامعه شیعی شده بود.

نعمانی که چندان فاصله‌ای با این دوره نداشته وضعیت بخرنج این دوره را چنین توصیف می‌کند: «اکثر امامیه درباره جانشین امام حسن عسکری (ع) می‌پرسند که او کجاست؟ چگونه ظهور خواهد کرد؟ چه مدت غایب خواهد بود؟ غیبت او که اکنون ۷۳ ساله است، چه مقدار به طول می‌انجامد؟ برخی معتقدند که او از دنیا رفته و عده‌ای منکر ولادت یا حتی وجود او شدند و کسانی که به او معتقدند مورد تمسخر قرار می‌گیرند»^۳. به گفته او اکثر گروه‌ها عقاید خود را درباره وجود و حیات امام غایب ترک گفته‌اند^۴.

در این زمان نایبان خاص امام زمان(عج) و نیز برخی از محدثان که کتاب‌های آنان بیان شد موضوع ولادت و غیبت را با توجه به احادیث بجا مانده از معصومین گوشزد نموده بودند، اما حرکت‌های تخریبی در ایجاد شبهات گسترده خصوصاً در زمینه ولادت و غیبت امام زمان(عج) و نیز پراکندگی جوامع شیعی، عالمان شیعی را بر آن داشت تا با رویکرد به تاریخ و تمسک به گزاره‌های آن و همچنین با بهره‌گیری از مکاتبات صورت گرفته میان وکلا به پاسخ‌گویی به شبهات در زمینه مذکور بپردازند.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. میرلوحی، کفایةالمهتدی، ص ۳۵۸.

۲. تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۶.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۸۰.

۴. همان، ص ۹۹.

۱. کتاب الغیبه^۱ نعمانی (م ۳۶۰)

ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب^۲ نعمانی معروف به ابن زینب^۳ است. وی در سال ۳۴۲ هـ در شهر حلب به تدریس و تألیف اشتغال داشته و در این شهر کتاب «الغیبه» را برای شاگردش «محمد بن علی ابوالحسین شجاعی کاتب» قرائت نموده و احتمالاً در آنجا به تألیف کتاب و کتاب‌های دیگرش پرداخته است.^۴

با مطالعه کتاب نعمانی می‌توان به نتایج بسیار مهمی دست یافت، از آن جمله اینکه وی همانند مسعودی^۵ از نخستین کسانی است که تفسیر احادیث منسوب به ائمه را از کلینی اخذ و گردآوری نموده است. برخی از این احادیث، بیانگر دو نوع غیبت امام، یکی کوتاه و دیگری طولانی است. وی تصریح می‌کند که نخستین غیبت امام در دوران چهار نایب خاص ایشان است که از سال ۲۶۰ هـ آغاز و تا سال ۳۲۹ هـ ادامه داشته و غیبت طولانی امام پس از رحلت چهارمین نایب خاص در سال ۳۲۹ هـ آغاز شده است.

همچنین نعمانی احادیث موضوع غیبت را به طور متواتر بازگو می‌کند و احادیث غیبت صغری را که در آن نایبان خاص میان امام و مردم واسطه‌اند، بیان کرده است. وی علاوه بر این، به توصیف مقام و جایگاه سفرای امام عصر(عج) یا نایبان خاص آن حضرت به طور تفصیلی می‌پردازد و بیش از چهل و پنج حدیث درباره غیبت که بخش عمده‌ای از آنان درباره غیبت صغری است، ارائه می‌دهد.

به هر صورت، محور موضوعاتی که نعمانی به خواننده عرضه می‌کند، پایه‌گذار و اساس آثار بعدی امامیه در موضوع غیبت قرار گرفته است، به طوری که نویسندگان بعد از نعمانی از روش و سبک او اقتباس نموده‌اند.^۶

در منابع بعد از نعمانی همچون الغیبه شیخ طوسی و اعلام الوری طبرسی مطالبی از او نقل نشده است، ولی نویسندگان متأخر همچون مجلسی در بحارالانوار و شیخ حرعاملی در کتاب اثبات الهداة روایات بسیاری را از نعمانی نقل می‌کنند.

البته باید به این نکته توجه داشت که تعدادی از روایان نعمانی از فرقه‌های منحرف شیعه هستند؛ از این رو نقل یا استناد به روایات آنها به ویژه در موضوع غیبت صغری نیاز به دقت دارد که تفصیل این مطلب

۱. این کتاب را نیز به نام «ملاء العیبه فی طول الغیبه» نامیده‌اند. تهرانی، الذریعه، ج ۸۶، ص ۷۹.

۲. گفته شده است لقب کاتب درباره او یا به دلیل آن است وی کاتب شیخ کلینی بوده یا به دلیل نوعی ارتباط بین او و صاحب منصبان بوده، ولی اینکه کاتب چه کسی بوده است، مشخص نیست. سید جواد شبیری، همان، ص ۲۵۵.

۳. برای زندگینامه نعمانی، ر.ک، رجال نجاشی، مجمع الرجال، جامع الرواة، منتهی المقال، مستدرک الوسائل، اعیان الشیعه، الذریعه، قاموس الرجال، معجم رجال الحدیث ذیل مأخذ ابن زینب

۴. تهرانی، همان، ج ۴، ص ۳۱۸؛ ج ۲۰، ص ۱۵۴؛ ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ ج ۱۶، ص ۱۴۷ مازندرانی. معالم العلماء، ص ۱۰۵، ش ۷۵۹.

۵. علی بن حسین متوفای ۳۴۶ هـ، مؤلف مروج الذهب است، دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه .

۶. جاسم حسین، تاریخ سیاسی، ص ۲۵، ص ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۳.

را در نقد روایات نعمانی اشاره خواهیم نمود.

نعمانی با مشاهده پراکندگی جغرافیای فکری شیعیان خصوصاً پس از رحلت امام یازدهم و ایجاد حیرت و شگفتی میان جامعه آنان، اقدام به تدوین کتاب *الغیبه* نمود و برای توجیه مسئله غیبت امام زمان به گردآوری احادیث ائمه معصومین(ع) درباره غیبت پرداخت. وی تلاش گسترده‌ای را برای ضرورت غیبت امام دوازدهم با توجه به روایات صادر شده از سوی آنان نمود و به اثبات غیبت امام زمان (عج) با استفاده از سخنان پیامبر و امامان شیعه پرداخت و در این زمینه بسیاری از اطلاعات و ره‌یافته‌های خویش را از نویسندگان قبل از خودش همچون حسن بن محبوب، فضل بن شاذان، حسن بن سماعه، ابراهیم بن اسحاق، کلینی، ابن عقده و مسعودی بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و عقاید یا آئین هر کدام کسب نمود.^۱ نعمانی با سبک حدیث‌نگارانه، بر احادیث خاصه تکیه نموده و در عین حال برای تأکید بر مطالبش به روایات عامه و نیز به کتاب تورات نیز استناد نموده^۲ و با بیان مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، رفع حیرت از جامعه شیعی را انگیزه تألیف کتابش می‌داند^۳ و سپس کتابش را بر ۲۶ باب پایه‌ریزی می‌کند. این نکته قابل توجه است که نعمانی ولادت امام زمان را امری مسلم شمرده است و لذا در تدوین روایاتش پیرامون آن حضرت روایاتی را که به ولادت اشاره نموده است متذکر نشده است و فقط به احادیث «اثنی عشر» که عدد ائمه را دوازده نفر می‌داند پرداخته است.

۲. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی (م بعد از ۳۷۹)

حسن بن محمد حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی^۴ در سال ۳۷۹ هـ کتابی را درباره قم تدوین نموده است و از آنجا که وی با برخی از صاحب‌منصبان در دولت آل بویه روابط تنگاتنگی داشته و از طرفی، برادرش حاکم قم بوده است، به کتاب‌ها و اسناد متعددی دسترسی داشته؛ در نتیجه اطلاعات زیادی از حوادث دوره خود خصوصاً بعد از غیبت ارائه می‌دهد.

حسن بن محمد بخش مهمی از کتابش را به زندگی ائمه معصومین اختصاص داده است و در آخر آن بابی را به ذکر ولادت حضرت حجت (عج) و زمان غیبت و اخباری که بر وجود آن حضرت دلالت می‌کند، اختصاص داده است. وی همچنین گزارش‌های مختلف درباره تاریخ ولادت حضرت حجت (عج) را جمع‌آوری نموده و به احادیثی اشاره کرده که ائمه معصومین (ع) در حال غیبت شیعیان را از نام‌گذاری فرزندانشان به نام آن حضرت نهی نموده‌اند. علاوه بر این افرادی را نام برده که به حضور آن حضرت رسیده‌اند و در پایان تصریح می‌کند آن حضرت در سال ۲۶۰ هـ غیبت نمود، اما به چگونگی غیبت و زمان

۱. نعمانی، *الغیبه*، ص ۶-۸۶ و ۱۰۰.

۲. همان، ص ۱۰۲-۱۰۷ و ۱۱۶-۱۲۷.

۳. همان، ص ۱۸-۳۲.

۴. برای زندگینامه حسن بن محمد، ر.ک. انصاری قمی، *مقدمه تاریخ قم*، ص ۴۳-۷۲، آقابزرگ، *طبقات*، قرن چهارم، ص ۹۹، محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۲۴۶.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

آن هیچ اشاره‌ای ننموده است.^۱

کتاب تاریخ قم به سال ۸۰۵ هـ توسط علی بن حسن بن عبدالملک به فارسی ترجمه گردید.

۳. کمال‌الدین^۲ شیخ صدوق (م ۳۸۱)

شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی،^۳ انگیزه تألیف کتابش را ملاقات با شیخ نجم‌الدین محمد بن حسن بن محمد بن احمد بن علی بن صلت^۴ در نیشابور دانسته و تحیر او و بیشتر شیعیانی که در آن شهر رفت و آمد می‌کردند، بازگو می‌نماید؛ همچنین روایاتی است که برای او در شهر ری اتفاق می‌افتد؛ در عالم خواب امام زمان به او فرمان می‌دهد که در باب غیبت کتابی تألیف نماید و لذا به تدوین آن می‌پردازد.

صدوق کتابش را در یک مقدمه و پنجاه و هشت باب پیرامون غیبت امام زمان(عج) تدوین نموده و شاید بتوان گفت مقدمه کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که وی در مقدمه نسبتاً طولانی، مطالبی را در مورد خلافت و امامت بیان کرده و از آن به عنوان دلیل بر غیبت امام عصر(عج) استفاده می‌کند؛ سپس به رد اندیشه‌هایی که غیبت امام مهدی(عج) را نپذیرفته یا در آن تشکیک نموده‌اند، همچون قائلان به امامت و غیبت محمد بن حنفیه که به کیسانیه مشهورند یا ناووسیه که به غیبت امام صادق(ع) یا واقفیه که به غیبت امام کاظم و یا امام عسکری(ع) معتقدند، پرداخته است و شبهات کسانی که در این زمینه شبهه افکنی نموده‌اند را پاسخ داده است. ابواب مختلف کتاب را می‌توان در پنج مطلب کلی دسته بندی کرد:

الف - اخبار انبیاء و اولیائی که غیبت داشته‌اند؛

ب - لزوم امامت و اثبات امامت دوازده معصوم(ع)؛

ج - ولادت حضرت مهدی(عج) و اخبار مربوط به ایشان؛

د - نامه‌هایی که از ناحیه آن حضرت صادر شده است و^۵

ه - عمر طولانی حضرت حجت.

اهمیت کتاب کمال‌الدین از آن جهت است که اولاً این کتاب در زمانی تدوین شده است که مدت زمان کوتاهی از عصر غیبت سپری شده و فاصله چندانی با غیبت صغری نداشت است؛ پس با توجه به تاریخ تألیف آن و نیز تاریخ شروع غیبت صغری در سال ۲۶۰ هـ، تنها ۱۰۷ سال پس از غیبت آن حضرت، نویسنده کتاب به پاسخ‌گویی شبهات پیرامون غیبت پرداخته است.

۱. حسن به محمد، تاریخ قم، ص ۵۳۲.

۲. همچنین کمال‌الدین و اتمام النعمه نیز گفته شده است در سال ۱۳۰۱ اولین بار در تهران چاپ شد. تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۲۸۳.

۳. طوسی، فهرست، ص ۴۴۳، مازندرانی، معالم، ص ۹۹، ش ۷۴۰. مدرس، ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۴۳۶، امین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴.

۴. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳، تستری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۷۳ و ۲۱۱.

۵. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۱۷ - ۴۳۴، ص ۴۸۲ - ۵۲۳.

ثانیاً بسیاری از نامه‌هایی که در اصطلاح به آنان توقیعات گفته می‌شود و در زمان غیبت صغری توسط امام زمان (عج) از طریق وکلای خاص آن حضرت برای اشخاص مختلف فرستاده شده است را جمع‌آوری نموده و پنجاه و دو توقیع آن حضرت را در زمان غیبت صغری نقل می‌کند.

ثالثاً صدوق در تبیین موضوع غیبت، آن را به صورتی روش‌مند و با الهام از تاریخ به صورت یک سنت فراگیر برای مردم زمان خویش چنان با صراحت و شفاف بیان می‌کند که کمتر کسی درباره غیبت دچار اشتباه گردیده و پاسخی کامل در این زمینه دریافت می‌دارد.

رابعاً آنکه محتوای کتاب صدوق از آن جهت ارزشمند است که او بر مآخذ شیعه یعنی اصول اربعمائه که قبل از سال ۲۶۰ هـ گردآوری شده دسترسی داشته؛ پس در می‌یابیم که او اغلب روایاتش را از افرادی چون حسن بن محبوب، فضل بن شاذان، حسن بن سماعه، صفار، حمیری و ابن بابویه، پدرش، که رابطه‌ای نزدیک با سومین و چهارمین سفیران امام زمان(عج) داشته است ارجاع می‌دهد و علاوه بر این، از آنجایی که پدر صدوق از فقهای بزرگ و عالی‌قدر و وکیل امام زمان در قم بوده است، او از این موقعیت پدرش بهره کافی را برده و اطلاعات بسیار موثقی را درباره ارتباط پنهانی بین وکلا و امام زمان به خواننده ارائه می‌دهد. به هر صورت، با توجه به شخصیت تأثیرگذار «صدوق» در ترویج فرهنگ شیعی پس از پایان غیبت صغری و تلاش مؤثر او با تدوین کتب روائی بسیار، برای اثبات وجود امام زمان(عج)^۱، این نکته را نباید فراموش کرد که اگر چه صدوق بنا به گفته خودش با نوشتن کتاب *کمال‌الدین* امامت و دین را کامل و نعمت‌الهی به آخر رساند،^۲ فهرست‌نویسان متقدم شیعه همانند نجاشی و طوسی ذیل کتاب‌های صدوق نامی از کتاب *کمال‌الدین* نمی‌برند و تنها به این نکته بسنده نموده‌اند «که صدوق کتابی در غیبت دارد که بزرگ است».^۳ علاوه بر این ابن شهر آشوب مازندرانی که تتمه فهرست طوسی را نوشته، هیچ اشاره‌ای به کتاب *کمال‌الدین* ننموده است.^۴

گذشته از این، با تحقیق و تفحص پیرامون برخی از اسناد ارائه شده در *کمال‌الدین* توسط صدوق، خصوصاً روایاتی که پیرامون ولادت امام زمان(عج) ارائه کرده، این نکته بسیار مشهود است که او اطلاعات خود را از غالیانی چون محمد بن بحر^۵ دریافت کرده است؛ پس در مطالعه و اسناد دادن به این روایات باید

۱. *کمال‌الدین*، همان، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۲۷ - ۱۳۳، ۱۸۷، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۷۴ و ۳۸۱.

۳. همانند، *المقنع فی الغیبه*، *علامات آخر الزمان*، *اسرار مکتوم*. تهرانی، *الذریعه*، ح ۱۷، ص ۸۰ و ۸۳.

۴. آنچنان که صدوق گفته است «به کمال‌الدین و تمت النعمه»، *کمال‌الدین*، همان، ج ۲، ص ۶۵۷.

۵. *الفهرست*، طوسی، شماره ۷۱۰ ص ۴۴۳.

۶. *معالم العلماء*، همان، ص ۹۹، شماره ۷۴۰.

۷. محمد بن بحر رهنی، م ۳۴۲ هـ آثاری از جمله الحججه فی ابطاء القائم نوشته و متهم به غلو است. مازندرانی، *معالم العلماء*، ص ۱۳۱، خوئی، *معجم الرجال*، ح ۳، ص ۱۳۲.

دقت بسیار نمود؛ همچنین برخی از روایاتی را که صدوق ارائه کرده، به صورت مرسل^۲ یا با اسناد ضعیف است، اما به دلیل وجود برخی از این روایات در کتب تدوین شده علمای معاصر صدوق و نیز شخصیت منحصر به فرد صدوق در تدوین کتب روایی، علاوه بر قدرت علمی او که وی را یکی از بزرگ‌ترین محدثان عصر خویش قرار داده است، نمی‌توان کتاب را از این نظر مورد قدح و طعن قرار داد.

۴. کتاب الغیبه: ابوالحسن قزوینی (م ۳۸۵)

ابوالحسن حنظله بن زکریا قزوینی از معاصران رجالی معروف، تلعبیری، و از استادان او بوده است. طوسی او را در شمار «لم یروعه» - کسانی که از ائمه روایت نکرده‌اند - آورده است.^۳ تنها کتاب او را نجاشی با عنوان «کتاب الغیبه» ضبط نموده و هیچ کتاب دیگری از او گزارش نشده است.^۴

۵. کتاب الغیبه، ابن جنیدی (م ۳۹۶)

نجاشی احمد بن محمد بن عمران بن موسی نهشلی بغدادی را استاد و واسطه شیوخ روزگار خویش دانسته است. طوسی پس از بیان شرح حالش، او را در زمره راویانی آورده که از ائمه شیعه حدیث نقل نکرده‌اند.^۵ با این حال، برخی از محدثین اهل سنت او را به سبب گرایش به مذهب تشیع، مورد طعن قرار داده و روایات او را ضعیف خوانده‌اند.^۶ وی دارای کتاب‌های متعددی، از جمله کتاب الغیبه بوده است.^۷

۶. کتاب فی اخبار ابی عمرو و ابی جعفر العمرین، ابن برینه (م بعد از ۴۰۰ هـ)

ابونصر هبه الله بن احمد بن محمد کاتب^۱ مادر بزرگش «ام کلثوم» دختر ابی جعفر محمد بن عثمان عمری است و با این نسبت او نوه دومین سفیر امام زمان (عج) بوده است.^{۱۱} او معاصر شیخ طوسی و دارای کتابی در امامت و کتابی در اخبار عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان بوده و ابوالعباس بن نوح در کتابش - اخبار الوکلاء اربعه - به کتاب او اعتماد نموده و حکایاتی را از آن نقل کرده است.^{۱۲}

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، همان، ص ۲۶.

۲. به حدیثی گفته می‌شود که تمام یا بعضی از راویان آن حذف شده باشند یا بدون ذکر روات واسطه متصل به معصوم شده باشند. فرهنگ معارف اسلامی، همان، ذیل واژه.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۴۷، شماره ۳۸۰؛ طوسی، رجال، ص ۴۶۷ و حائری، منتهی المقال، ج ۳، ص ۱۴۷ و تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۶، شماره ۸۸۴.

۴. طوسی، همان، ص ۴۶۷.

۵. نجاشی، همان، ص ۱۴۷، شماره ۳۸۰.

۶. متولد ۳۰۵ یا ۳۰۷ هـ، خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، همان، ج ۵، ص ۲۸۲، مدرس، ریحانه الأدب، ج ۷، ص ۴۴۹.

۷. طوسی، رجال، ص ۴۵۶.

۸. خطیب بغدادی، همان، ج ۵، ص ۲۸۲.

۹. طوسی، الفهرست، ص ۷۲، شماره ۹۸ و نجاشی، همان، ص ۸۵، شماره ۲۰۶.

۱۰. نجاشی، رجال، ص ۴۴۰، شماره ۱۱۸۵.

۱۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۲۶.

۱۲. نجاشی، رجال، همان، ص ۴۴۰.

با وجود آنکه برخی از محققین وی را زیدی مذهب می‌دانند، به دلیل آنکه زید بن علی بن حسین بانی فرقه زیدیه را هم در شمار ائمه آورده است.^۱ اما استناد شیخ طوسی در کتاب *الغیبه*^۲ به گزارش‌های ابن کاتب پیرامون توقیعات عثمان بن سعید عمری و پدرش، بیانگر اعتماد کامل طوسی به ابن کاتب است و گزارش زیدی بودن او را از اساس مخدوش می‌سازد.

به هر صورت، کتاب ابن کاتب مورد توجه غیبت‌نویسان، خصوصاً کسانی که در غیبت صغری قلم زده‌اند، بوده و گزارش‌های وی از نواب چهارگانه خصوصاً عثمان بن سعید عمری در کتاب‌های بعدی با دقت دنبال گردیده است.^۳

۷. کتاب الغیبه، ماداری^۴ (م بعد از ۴۰۰) °

ابومحمد عبدالوهاب ماداری، نجاشی تنها به ذکر نام کتابش بسنده نموده است^۵ و به صورت مختصر او را معرفی کرده، اما شوشتری معتقد است که «ماداری امامی بوده است، ولیکن مجهول است و از اینکه شیخ طوسی در رجال و فهرستش نام او را نیاورده است، غفلت او از این محدث بزرگ بوده است».^۶

۸. اخبار الوكلاء الاثمه الاربعه، ابن عیاش (م ۴۰۱)

ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبیدالله بن حسن بن عیاش بن ایوب جوهری،^۸ علاوه بر کتاب‌های متعددی که در باب امامت تدوین نموده است،^۹ دو کتاب درباره امام زمان (عج) و غیبت آن حضرت نوشته که عبارتند از: «کتاب ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان (عج)» و «خبر الوكلاء الاثمه الاربعه».

۹. الغیبه، ابوالفرج قزوینی (م ۴۰۸)

ابوالفرج مظفر بن علی بن حسین حمدانی^{۱۰} از شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است.^{۱۱} وی دارای کتاب‌های متعددی^{۱۲} از جمله کتاب *الغیبه* بوده است.

۱. عباس اقبال، *خاندان نوبختی*، ص ۱۰۰.

۲. طوسی، *الغیبه*، ص ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۶ و ...

۳. همان.

۴. مادران یا مادران، رک: یاقوت، *معجم البلدان*، همان، ج ۵، ص ۴، *سمعی، الانساب*، ج ۵، ص ۱۰۶، *مامقانی، تفسیر المقال*، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۲۳۴، *مدرس، ریحانه الأدب*، ج ۵، ص ۱۴۵، *تستری، قاموس*، ج ۷، ص ۳۷، ش ۴۶۷۰؛ *آقایزرگ تهرانی، الذریعه*، همان، ج ۱۶، ص ۷۶.

۵. *منهج المقال*، ص ۲۱۶.

۶. *نجاشی، رجال*، ص ۲۴۷، شماره ۶۵۲.

۷. *تستری، قاموس الرجال*، ج ۷، ص ۳۷، شماره ۴۶۷۰.

۸. *خاندان ابن عیاش در زمان آل حماد و قاضی ابی عمر از خانواده‌های معروف بغداد بوده‌اند و او در زمان نجاشی زنده بوده و دوست او و پدرش بوده است. نجاشی، رجال*، ص ۸۶، شماره ۲۰۷.

۹. طوسی، *فهرست*، همان، ص ۷۸، شماره ۹۹ و *تهرانی، الذریعه*، ج ۱، ص ۳۵۳ و *مازندرانی، معالم*، ص ۲۰، ش ۹۰.

۱۰. *عبدالجلیل قزوینی، التقص*، ج ۱، ص ۴۰ و ص ۱۳۶.

۱۱. *منتجب الدین، فهرست*، ص ۱۰۱، شماره ۳۵۹.

۱۲. *تهرانی، الذریعه*، ج ۱۰، ص ۹۶.

تمامی غیبت‌نویسان سفیران حضرت را وکلا و نواب اربعه می‌دانند و معتقدند که پایان غیبت صغری پایان سفارت است،^۱ اما برخی از رجالیون او را از سفراء امام زمان(عج) دانسته‌اند،^۲ ولی توضیح نمی‌دهند و مشخص نمی‌کنند که منظورشان از سفیر امام زمان(عج) چیست. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که این سخن، توصیف مبهمی است.^۳

۱۰. اخبار الوکلاء الاربعه، ابن سیرافی (م بعد از ۴۱۰)

ابوالعباس احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی، استاد نجاشی و مورد توثیق او بوده است،^۴ اما طوسی با اینکه در کتابش به روایات و نوشته‌های او مراجعه نموده است و از ندیدنش تأسف می‌خورد،^۵ برخلاف نجاشی^۶ او را در نقل احادیث تضعیف می‌کند.^۷

سیرافی، بیشتر گزارش‌های کتاب اخبار وکلاء اربعه را از کتاب ابونصر هبه‌الله بن احمد بن محمد کاتب اخذ کرده است؛^۸ در نتیجه از مهم‌ترین منابع شناخت نواب خاص و وکلای چهارگانه امام زمان(عج) در دوران غیبت صغری به شمار می‌رود.

دوره سوم - دوره تدوین کلام شیعی پیرامون ولادت و غیبت

فضای فرهنگی - مذهبی ایجاد شده در جهان اسلام، خصوصاً در سال‌های پایانی قرن چهارم، زمینه فعالیت‌های فرهنگی شیعیان را به صورت علنی با تشکیل جلسات مجادله و مناظره کلامی خصوصاً میان فرقه‌ها و مکاتب مخالف ایجاد کرده بود و شیعیان را به صورت جدی وارد مناظره‌های فرقه‌ای نموده بود. در این دوره عالمان شیعی علاوه بر تدوین کتب روایی، به گسترش استدلال‌های عقلی و کلامی توجه خاص نموده و تلاش گسترده‌ای را برای تدوین مبانی اعتقادی شیعه انجام دادند. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. المسائل العشرة فی الغیبه، شیخ مفید (م ۴۱۳)

ابوعبدالله محمد بن محمد به نعمان معروف به شیخ مفید یا ابن معلم^۹ از عالمان تلاشگر در کسب علم

۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴.

۲. منتجب‌الدین، ص ۱۰۱ شماره ۳۵۹.

۳. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۹۶، شماره ۷۵۸۳.

۴. نجاشی، رجال، ص ۸۶ و ۸۷، شماره ۲۰۹، امین، اعیان الشیعه، ح ۳، ص ۱۰۹.

۵. شیخ طوسی در کتاب غیبت از سیرافی روایات متعددی را خصوصاً در باب وکلای امام و توقیعات آن حضرت نقل می‌کند و در نقل روایات به واسطه او از ابی نصر کاتب روایات متعددی را بازگو کرده است از جمله: در روایات ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۵، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳.

۶. نجاشی، رجال، ص ۸۷، شماره ۲۰۹.

۷. طوسی، الفهرست، ص ۸۷، شماره ۱۱۷.

۸. نجاشی، رجال، ص ۴۴۰، شماره ۱۱۸۵.

۹. نجاشی، رجال، همان، ص ۳۹۹، شماره ۱۰۶۷ و طوسی، فهرست، همان، ص ۴۴۴ و ابن کثیر، البدایه و النهایه، همان، ج ۱۲، ص ۱۵ و ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸ و حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۴۷.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طابوسی

و تربیت شاگرد،^۱ مناظرات علمی^۲ و تألیفات^۳ او را به گونه‌ای از سایرین جدا ساخت که عام و خاص به مدح او پرداختند^۴ و نگرش کلامی و فقهی او در ادوار مختلف جایگزین بسیاری از اندیشه‌های معاصر آن دوره گردید، طوری که پس از وی برخی از دانشمندان امامیه سعی نمودند تا او را با متصل کردن و ارتباط با امام زمان، مقدس‌گونه و نقدناپذیر جلوه دهند.^۵

به هر صورت از فراوانی آثار شیخ مفید ذیل تشیع و مباحث کلامی پیرامون ائمه معصومین(ع) و مباحث غیبت می‌توان چنین نتیجه گرفت که دوره‌ای که مفید در آن می‌زیسته، خصوصاً همزمان با آغاز عصر غیبت کبری، جامعه شیعی با بیشترین شبهات از دورن و بیرون خود روبرو بوده و مفید توانسته است با ارائه جواب‌های روشمند به این شبهات پاسخ دهد و مخالفان را خلع سلاح نماید.

با اندکی تأمل در آثار به جا مانده از مفید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشترین مباحث و گفتمان رایج در این دوره در اطراف آموزه‌های امامی شیعی همچون حقانیت و توضیح و دفاع از غیبت امام زمان(عج) متمرکز شده است و به همین جهت در گونه‌شناسی تألیفات مفید، بخش عظیمی از مباحث و گفتگوها پیرامون حضرت حجت(عج)، غیبت و ظهور ایشان نهفته است، چرا که بسیاری از مخالفان وجود آن حضرت را مبهم و غیبتش را غیر معقول جلوه می‌دادند، به طوری که در یکی از مناظرات مفید، مردی معتزلی مشرب به او می‌گوید: «شما که به عدل و توحید معتقدید چگونه به امامت کسی قائل هستید که حتی ولادتش روشن نیست؟» و مفید در پاسخ او به تبیین این اصل کلی می‌پردازد که زمین نمی‌تواند از حجت خالی باشد و پس از آن توضیح می‌دهد که چه کسی می‌تواند حجت خدا بر مردم باشد.^۶ لذا در همین راستا کتاب‌ها و رسائل متعددی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم درباره امام زمان و غیبت آن حضرت تدوین می‌کنند که عبارتند از:

۱. الايضاح فی الامامه، مفید در لابه‌لای نوشته‌های این کتاب برخی از مطالبش را درباره امام زمان(عج) به کتاب مسائل العشرة فی الغیبه ارجاع می‌دهد؛
۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید با پیروی از روش کلینی و نعمانی در نقل احادیث به دلایل امامت ائمه معصومین(ع) و تاریخ زندگی آنان می‌پردازد و در آخرین فصل کتاب، مباحثی را پیرامون

۱. مجلسی، بحارالانوار، مقدمه، ص ۷۰.
 ۲. برخی از این مناظرات توسط سید مرتضی در کتاب «الفصول المختارة من العیون و المحاسن» گردآوری شده است.
 ۳. طوسی، فهرست، همان، ص ۱۵۸، شماره ۶۹۶؛ و نجاشی، رجال، همان، ص ۳۹۹، شماره ۱۰۶۸.
 ۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.
 ۵. مازندرانی در کتاب معالم العلماء او را به مفید ملقب کرده است و طبرسی با استناد به دو توقع از امام زمان این لقب را برای او برگزیده، ولی خوئی معتقد است صدور چنین توقیعاتی ثابت نشده است، مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۱۳ - طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲ - ۳۲۵ و خوئی، معجم الرجال، ج ۱۷، ص ۲۳۵.
 ۶. سید مرتضی، الفصول المختارة من العیون و المحاسن، ترجمه خوانساری، همان، ج ۱، ص ۱۵۳.

ولادت، غیبت و حکومت امام زمان(عج) ارائه می‌دهد؛^۱

۳. الزامر فی المعجزات، که علاوه بر معجزات پیامبران و ائمه معصومین(ع) به معجزات امام زمان(عج)

نیز می‌پردازد؛

۴. کتاب الغیبه یا الغیبه الکبیر؛^۲

۵. مختصر فی الغیبه؛

۶. النقص علی الطلحی فی الغیبه؛

۷. جوابات الفارقیین فی الغیبه؛^۳

۸. الجوابات فی خروج الامام مهدی(عج) و^۴

۹. المسائل العشره فی الغیبه.^۵

کتاب المسائل العشره، تنها اثر ارزشمند اوست که به طور کامل در دسترس است و در آن اطلاعات ارزشمند بسیاری را درباره شرایط تاریخی که بر زندگی پنهانی امام دوازدهم قبل از سال ۲۶۰ق را یافته، به خواننده ارائه می‌دهد. وی در آن به ده سؤال که از او پیرامون ولادت و غیبت امام زمان(عج) پرسیده شده، پاسخ می‌دهد که سؤالات مطرح شده را نیز در اثر آورده است.

مفید، در مقدمه کتاب، انگیزه تألیفش را پاسخ به مهم‌ترین شبهاتی که در آن زمان درباره امام زمان(عج) بوده است با جواب‌های منطقی و با بهره‌گیری از آیات قرآنی و قصه‌هایی که درباره پیامبران و حکما وجود دارد، همراه ادله عقلی بیان می‌دارد.^۶

۲. المقنع فی الغیبه، سیدمرتضی (م ۴۳۶ق)

ابوالقاسم علی بن حسین معروف به شریف مرتضی علم‌الهدی^۸ پس از استادش شیخ مفید، روش استدلالی او را در رساله‌های خود درباره مباحث امامت و خصوصاً امام زمان(عج) و غیبت آن حضرت دنبال کرد.

۱. مفید، الارشاد، همان، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۶۷.

۲. نجاشی، رجال، همان، ص ۴۰۱ و تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۰.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

۴. تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۱۹۵-۳۱۸/۲۰ و ۳۹۰ و ۳۹۵ و ج ۱۶، ص ۸۰-۸۲.

۵. نجاشی آنرا با نام «المسائل العشره فی الغیبه» آورده و مازندرانی آنرا با عنوان «الاجوبه عن المسائل العشر» آورده است و آغابزرگ آنرا با نام‌هایی چون: «الجوابات فی خروج المهدی» و «جوابات المسائل العشر فی الغیبه» و «الفصول العشره فی الغیبه» و «المسائل العشر فی الغیبه» آورده است کتاب با عنوان «انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت حجت» به زبان فارسی و با نام «غیبت» به زبان اردو چاپ و منتشر گردیده است. نجاشی، رجال، ص ۳۵۹ مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۰۰، ش ۷۴۱ تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۱۹۵، ج ۱۶، ص ۲۴۱ و ج ۲۰، ص ۳۵۸.

۶. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۶.

۷. سلسله مؤلفات شیخ مفید، جلد مقدمه، ص ۱۲۴.

۸. برای اطلاع از زندگی او، ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۲۷۰، ش ۷۰۸ و طوسی، فهرست، ص ۲۸۸، ش ۴۳۲، مازندرانی، المعالم، ص ۶۹ و ۷۰.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

از مباحث مطرح شده در کتاب‌های سید مرتضی،^۱ خصوصاً مباحث کلامی^۲ و مناظرات او با سایر فرق اسلامی،^۳ چنین به نظر می‌رسد که گفتمان معتزلی غالب بر اندیشه و کلام، موضوع امامت و غیبت را با نگاه شیعی بر نمی‌تافتند؛^۴ سید و بعد از او شاگردش شیخ طوسی با تدوین کتب مختلف در این خصوص^۵ توانستند شیعه را مجهز به استدلال و آماده برای دفاع از حق خود بسازند و کاستی‌هایی را که از آنان بود، جبران نمایند.

سید مرتضی در زمینه غیبت و ولادت امام زمان (عج) دارای کتاب‌ها و رسائل متعددی است؛ از آن جمله:

۱. الشافی فی الامامه: این کتاب در نقد کتاب المعنی قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ق) نوشته شده و دیدگاه‌های او را درباره مسئله امامت به چالش کشیده است. این اثر از کتاب‌های کلیدی مذهب شیعه امامیه و گذرگاه ورود به ژرفای عقاید شیعی است و درباره شیعه، رجوع به هر کتابی جز آن، چندان سودی نمی‌بخشد. وی در آخرین فصل کتابش، مباحثی پیرامون امام زمان (عج) مطرح می‌کند و با ارائه فهرستی از فرقه‌هایی که بعد از وفات امام عسکری به وجود آمدند، دلایلی متقن بر ولادت امام زمان (عج) ارائه کرده، به مباحثی پیرامون علت غیبت می‌پردازد.^۶

بعدها این کتاب توسط طوسی خلاصه شد و ابوالحسن بصری بر آن ردیای نوشت با نام «التقص علی الشافی». ابویعلی سلار نیز در رد ابوالحسن، کتاب «التقص علی التقص» را نگاشت.

۲. الفصول المختارة من العیون و المحاسن: اهمیت این کتاب بیشتر در آن است که تلاش شیعه را در زمینه جدل، کلام و فقه از صدر اسلام تا روزگار مؤلف و نیز جلسات بحث شیعه را با مخالفان خود ترسیم می‌کند و مباحثی را پیرامون فرقه‌های شیعه و پیدایش و تاریخ آنها و نیز مناظراتی را در فصل ۵۱ به موضوع غیبت اختصاص داده است.^۸

۳. رساله فی غیبة الحجة: او در این رساله به سؤالاتی پیرامون دلایل غیبت امام زمان (عج)، چگونگی پنهان شدن پیامبر اسلام (ص) در شعب ابی طالب و چگونگی بهره‌گیری از وجود امام زمان (عج) در حال

۱. طوسی، فهرست کتاب‌ها و رسائل او را ۳۷ عدد و نجاشی ۴۱ عدد و ابن شهر آشوب مازندرانی ۵۲ عدد و آقازیرگ ۱۱۷ عدد بیان می‌کنند. طوسی، فهرست، ص ۲۸۸، نجاشی، رجال، ص ۲۷۰، مازندرانی، معالم العلماء، ص ۶۹ و تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۶۰۴ و ج ۱۶، ص ۷۷.

۲. ر.ک، الشافی فی الامامه، رسائل شریف مرتضی، الماخص فی اصول الدین، الاصول الاعتقادیه.

۳. ر.ک: الفصول المختارة من العیون و المحاسن.

۴. عبدالرزاق محبی الدین، شخصیت ادبی، ص ۳۳ و ۳۴.

۵. ابن راوندی در کتاب الامامه چنین نوشته است: «شیعیان با برکناری از علم کلام در برابر مخالفانشان نمی‌توانند ایستادگی کنند». مهدی محقق، بیست گفتار، ج ۱، ص ۷۴.

۶. عبدالرزاق محبی الدین، شخصیت ادبی، ص ۱۰۵.

۷. طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۲۰۹.

۸. الشریف، مرتضی، الفصول المختارة من العیون، ج ۱، ص ۱۵۳.

غیبت پاسخ داده است.^۱

۴. مسئله وجیزه فی الغیبه: این رساله شامل سه صفحه است که به موضوع غیبت امام زمان (عج) و دلایل آن اختصاص دارد و با ادله کتاب المقنع فی الغیبه تفاوت چندانی ندارد.^۲

۵. تنزیه الانبیاء: همان طور که از اسم کتاب مشخص است، موضوع آن به یکی از مسائلی مربوط می‌شود که نقطه اصلی اختلاف میان شیعه و معتزله را نشان گرفته است و سیدمرتضی، در دفاع از پیامبران و کوشش برای عصمت آنان به تدوین کتاب مذکور پرداخته و در ادامه به عصمت امامان و توجیه و تبیین سیره آنان از زمان رحلت پیامبر تا دوره غیبت امام زمان (عج) و نیز سؤالات و پاسخ‌هایی در زمینه ولادت و غیبت آن حضرت به تفصیل می‌پردازد و مطالب آن را به کتاب‌های الشافی و المقنع فی الغیبه ارجاع می‌دهد.^۳

۶. المقنع فی الغیبه: بدون تردید کتاب المقنع با وجود حجم کم، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در زمینه غیبت نگاشته شده است، به طوری که بعد از نگارش آن بسیاری از متکلمان^۵ شیعه از جمله شیخ طوسی در موضوع غیبت^۶ از آنان بهره‌جسته‌اند. وی «آن را برای وزیر مغربی نوشته است»^۷ و برای اولین بار با روش و اسلوبی خاص در طرح مسائل و شبهات به طریقه سؤال و جواب، با براهینی قوی غیبت آن حضرت و اسباب و علت و حکمت‌های الهی موجود در آن را اثبات نموده است.^۸ و در ادامه آن، در نوشتاری تکمیلی بعد از اتمام «المقنع» کیفیت ارتباط امام زمان (عج) را با اولیاء و دوستان خود در طول غیبت و چگونگی رفتار شیعیان را مطرح نموده است. این کتاب، با عنوان «امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام» ترجمه شده است.

نکته قابل توجه در سبک آثار کلامی - تاریخی سید مرتضی خصوصاً در تدوین کتاب «المقنع»، توجه به

۱. شریف مرتضی، رسائل، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. عبدالرزاق محیی الدین، شخصیت ادبی، ص ۱۱۷.

۳. همان، ص ۱۰۸.

۴. نجاشی، رجال، ص ۲۷۱ و طوسی، فهرست، ص ۲۱۸ و یاقوت، معجم الادباء، ح ۱۳، ص ۱۴۸ و مازندارنی، معالم، ص ۶۹ و تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۷.

۵. طبرسی در اعلام الوری از مسائل اول تا پنجم کتابش را به مستندات سید اختصاص داده و نیز مجلسی اصل مطالب او را آورده است. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۷ و طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۸ و المقنع فی الغیبه، تحقیق سید محمدعلی حکیم، تراثا شماره ۲۷، سال چهارم، ص ۱۵۹.

۶. شیخ طوسی در کتاب الغیبه در بحث علت غیبت امام زمان، مطالب مختلفی را با استناد به کتاب المقنع بیان می‌کند. طوسی، الغیبه، ص ۹۷ و ص ۱۰۴.

۷. وزیر مغربی (۴۲۸م)، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی بن هارون بن عبدالعزیز أراجنی، مورخ، ادیب، لغت شناس و سیاستمدار شیعی و وزیر و دیوانسالار حمدانیان و فاطمیان بوده است. نجاشی، رجال، ص ۴۳۹، ش ۱۱۸۳، تهرانی، الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۲۳، سجادی، ابوالحسن مغربی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه.

۸. سید مرتضی، المقنع، ص ۲۳ و ص ۹۱.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

تحلیل گزاره‌ها و به ویژه گزاره‌های متشابه است که آنان را با تکیه بر مسائل و اصول ثابت شده فکری در اسلام ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر وی ابتدا اصل کلامی استواری را بنیان می‌نهد و پس از آن به تفسیر و تحلیل رخ داده‌های تاریخی پرداخته، ظاهر هر گزارش متشابهی را براساس آن‌ها توجیه می‌کند. به عنوان مثال او در کتاب «المقنع» ابتدا غیبت امام دوازدهم را با اصول و پیش فرض‌های اعتقادی شیعه پاسخ می‌دهد؛ سپس با آوردن گزارش‌ها و روایات تاریخی متنوع و متعدد کوشش کرده است تا فضای حاکم بر جامعه آن روز را به عنوان اقتضائات زمانی بروز حادثه بررسی کند.

۳. البرهان علی طول عمر صاحب الزمان، کراچکی (م ۴۴۹ق)

محمدبن علی بن عثمان کراچکی^۱ از شاگردان شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی است و برخی از تألیفات آنان را شرح نموده است. کتاب‌های او را تا دویست و بیست عدد شمرده‌اند^۲ و معروف‌ترین آنها «کنز الفوائد» است که مشتمل بر علوم و فنون گرانقدر، خصوصاً اصول و عقاید و اصول فقه و فضایل اهل بیت است.

وی بخشی از کتاب کنز الفوائد را به بحث طول عمر امام زمان(عج) اختصاص داده و در این خصوص به برخی از کسانی که عمر طولانی داشته‌اند اشاره کرده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار بخش‌هایی از کتاب مذکور را ذیل «معمربین مغربی و مشرقی» با شرح و بسطی گسترده آورده است.^۳

کراچکی علاوه بر این، همانند استادش شیخ مفید، از روش استدلالی در بیان مباحث استفاده نمود و با تألیف کتاب «البرهان علی طول عمر صاحب الزمان» به شبهه‌اتی که پیرامون طول عمر حضرت صاحب الزمان است جواب داده است. وی در این کتاب اسامی افراد بسیاری را ذکر کرده که سن آنان بالاتر از طول عمر افراد عادی بوده و با مطرح کردن آن، به دنبال طبیعی جلوه دادن موضوع طول عمر امام بوده است.^۴

۴. الشفاء و الجلاء فی الغیبه، الخضیب (م ۴۵۰ق)

ابوالعباس احمد بن علی الرازی الخضیب آیادی^۵ را از غالیان شیعه و غیر موثق معرفی کرده‌اند،^۶ اما برخلاف ابن غضائری^۷ طوسی در کتاب غیبتش او را تصدیق نموده و در فصل «اخبار کون الائمه اثنی

۱. معروف به قاضی ابوالفتح کراچکی طرابلسی است به نظر می‌رسد که کراچک از روستاهای واسط در نزدیک بغداد بوده است. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۳۳۹.

۲. مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۰۵، شماره ۷۶۴ و منتجب الدین، فهرست، ص ۱۵۴، ش ۳۵۵.

۳. نوری، خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۲۷. خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۱۲.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵.

۵. تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۹۲، جاسم حسین، تاریخ غیبت، ص ۲۷؛ جواد علی، المهدیه، ص ۶۹.

۶. درکتب رجالی به ابن خضیب معروف است و آیادی نام قبیله او بوده است، امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۲.

۷. نجاشی، رجال، ص ۹۱، ش ۷۲. طوسی، الفهرست، ص ۳۳، ش ۹۶ و حلی، خلاصه الاقوال، ص ۳۲۲، ش ۱۲۶۴ و مازندرانی، المعالم، ص ۸، ش ۸۲.

۸. تستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۱۵، شماره ۴۳۶.

عشر» به دو واسطه از تعلقبری و ابن علی از او روایت متعددی را نقل می‌کند^۱ علاوه بر این، برخی از رجالیون در کتاب‌هایشان او را مورد تأیید قرار داده‌اند.^۲ خضیب دارای کتاب‌های متعددی بوده است.^۳ امروزه از کتاب «الشفاء و الجلاء فی الغیبه» هیچ اطلاعی در دست نیست. اما استناد طوسی در کتاب «الغیبه» به روایات او در بیش از ۲۴ مورد، بیانگر آن است که وی نیز مانند بسیاری از غیبت‌نویسان معاصرش، دغدغه اثبات ولادت و غیبت را در ذهن داشته است.^۴

۵. کتاب الغیبه، طوسی (م ۶۰ق)

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی،^۵ معروف به شیخ الطائفه^۶ در دوره‌ای زعامت شیعه را به عهده گرفت که این فرقه در جهان اسلام کاملاً معروف و سرشناس شده بود و مناقشات و مباحثات مذهبی، مخصوصاً در مسئله امامت به اوج خود رسیده بود. افکار و اندیشه‌های اساتید طوسی، مخصوصاً شیخ مفید، سید مرتضی و سایر دانشمندان درباره امامت در بلاد اسلامی، خصوصاً بغداد شایع شده بود و لذا حملات و ایرادات مخالفین، متوجه محیط علمی بغداد گردید.

از طرفی طوسی مورد توجه خلیفه عباسی^۷ قرار گرفت و کرسی کلام رسماً به او واگذار شد و همین عامل باعث شد تا او با مجاهدت و فداکاری‌هایش، مذهب شیعه را به یک مذهب علمی، فعال و مبارز تبدیل نماید و برای اولین بار در بغداد، اذان رسمی شهر بر طبق عقیده شیعه خوانده شود^۸ و در جلوی در اکثر خانه‌های شیعیان نام «علی(ع)» نوشته شود.^۹ مجلس درس، تربیت شاگردان بی‌شمار و تألیفات گسترده‌اش^{۱۰} باعث شد تا دشمنان مکتب شیعه دوازده امامی احساس خطر نمایند و با حمله به خانه او و سوزاندن کتاب‌هایش ضربه‌ای جبران ناپذیر بر پیکر علمی جهان اسلام وارد سازند.^{۱۱}

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۳۴، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹، طوسی ۲۴ حدیث از خضیب به واسطه تعلقبری در ابواب مذکور ذکر کرده است.
۲. امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۲.
۳. نجاشی، همان، ص ۹۷، شماره ۲۴۰، طوسی، الفهرست، ص ۳۳، شماره ۶۶.
۴. مواردی که طوسی با استناد به احمد بن علی الرازی آورده است: الغیبه، ص ۱۳۴-۱۳۵، ص ۱۴۷، ص ۱۵۸، ص ۱۷۸-۱۸۷-۱۸۸-۱۹۱، ص ۱۸۸-۱۸۹، ۱۹۱-۱۹۱، ص ۲۲۹، ص ۲۳۸، ۲۵۳-۲۶۲.
۵. برای زندگینامه طوسی، ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۴۹۳، مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۰۲، شماره ۷۴۲ و حلی، خلاصه الاقوال، ج ۱، ص ۷۲ و ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۹۷. مجلسی، بحار الانوار، مقدمه، ص ۱۰۰.
۶. حلی، خلاصه الاقوال، ج ۱، ص ۷۲.
۷. القانم بامرالله خلیفه عباسی برای او چنین جایگاهی قرار داده بود که تا آن زمان کسی دارای چنین جایگاهی نبود، همان، ص ۱۰۳.
۸. تنوخی، النشوار، ح ۲، ص ۱۳۳.
۹. ابن جوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۴۱، ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۵۹۱.
۱۰. برای زندگینامه طوسی، ر.ک. طوسی، فهرست، ص ۴۴۷، مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۱۴ مجلسی مقدمه بحار الانوار، ص ۱۰۱، تهرانی، مقدمه تبیان، همان، ص.
۱۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۶، ص ۱۹۵، ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ص ۱۳۵ و ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۲،

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

با اندکی تأمل در آثار به جامانده از طوسی، می‌توان دریافت که وی توجهی خاص به موضوع امامت امام زمان(عج) و غیبت آن حضرت داشته است. وی با تلخیص کتاب «شافی» استادش سید مرتضی، در جلد اول و چهارم آن کتاب، مباحثی ارزشمند درباره امام زمان ارائه کرده. علاوه بر آن کتاب جداگانه‌ای در زمینه امام زمان(عج) درخواست یکی از اساتیدش^۱ تدوین نمود که امروزه به نام «الغیبه» مشهور و معروف است. به نظر می‌رسد هنوز مدت چندانی از غیبت امام زمان(عج)^۲ سپری نشده بود که پرسش‌ها و شبهات بسیاری درباره آن حضرت همچنان که امروز وجود دارد در اذهان عامه مردم خصوصاً شیعیان آن عصر وجود داشته، چنان که طوسی را به تألیف این کتاب وادار ساخته است. او در این زمینه می‌نویسد: «هدف این کتاب پاسخ به کلیه پرسش‌ها و شبهات مخالفان و ملامت‌گران و نکوهش بدخواهان است که می‌گویند: چرا حضرت ظاهر نشد؟ مانع ظهور او چیست؟ و چه نیازی به وجود آن بزرگوار احساس می‌شود؟...»^۳

طوسی، کتابش را در هشت فصل تدوین نموده است و بر خلاف کتاب‌های گذشته خویش، با موضوع غیبت مباحثش را آغاز نموده و در فصل دوم به اثبات ولادت امام زمان(عج) و اخبار و دلایلی که بر آن دلالت می‌کند، پرداخته است. در فصول بعد، نویسنده به ذکر تاریخ امام مهدی(عج) غیبت صغری و وقایع آن دوران و نیز مطالبی ارزشمند درباره مدعیان دروغین نبوت و وکالت ارائه می‌دهد و می‌توان گفت که این کتاب از این نظر مهم‌ترین منبع اطلاعات تاریخی به شمار می‌آید، به طوری که در دیگر تألیفات باقی مانده از این دوران، چنین اطلاعاتی نمی‌توان یافت.

کتاب غیبت طوسی به لحاظ شکلی تشابه زیادی به کتاب «کمال الدین» صدوق دارد، اما به لحاظ محتوایی با آن بسیار متفاوت است؛ با این حال طوسی شمار زیادی از روایات صدوق و ابن بابویه پدر او را در کتابش آورده است. علاوه بر این، طوسی در کتابش از مطالب کتاب «الغیبه» ابی جعفر محمد بن علی بن ابی عزافر شلمغانی معاصر «حسین بن روح»، نایب سوم امام زمان استفاده کرده است.^۴

همچنین با توجه به کتابشناسی و بررسی اسناد مندرج در کتاب الغیبه، این حقیقت آشکار می‌شود که منابع طوسی در کتاب مزبور، عمدتاً کتاب‌هایی است که درباره غیبت نوشته شد و بسیاری از آنها امروزه

ص ۹۷.

۱. برخی معتقدند که طوسی این کتاب را به درخواست شیخ مفید و در زمان حیات او تدوین نموده است، ولی به دلیل آنکه طوسی، تاریخ تألیف آن را سال ۴۴۷ هجری قمری نوشته و مفید به سال ۴۱۳ هجری قمری وفات نموده است، این احتمال نمی‌تواند درست باشد. آقا بزرگ معتقد است که طوسی این کتاب را به درخواست یکی دیگر از دوستانش به نام ابن برآج به سال ۴۴۷ هـ و در ۶۲ سالگی، زمانی که بغداد در آشوب بوده، تدوین نموده است. تهرانی، مقدمه التبیان، همان، ص ۷، ریحانة‌الآداب، ج ۷، ص ۴۰۸.

۲. زمانی که طوسی به تألیف کتاب غیبت مشغول بوده، نزدیک به ۱۹۷ سال از عمر امام زمان می‌گذشته، چرا که او کتاب را به سال ۴۴۷ هـ تدوین نموده است.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۳۰.

۴. تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۰.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طوسی

مفقود است؛ به عنوان مثال می‌توان به کتاب الغیبه ابن عزاقر^۱ یا به روایاتی که از هبه الله بن احمد بن محمد کاتب نویسنده کتاب اخبار المعمرین^۲ یا اعتماد او به گزارش‌های خضیب الایادی نویسنده کتاب الشفاء و الجلافی الغیبه^۳ و کتاب اخبار الوکلاء، سیرافی^۴، اشاره نمود.

طوسی در کتاب الغیبه برخی از مسائل را به کتاب‌های دیگرش همچون «تلخیص الشافی» یا «شرح الجمل» ارجاع می‌دهد^۵ و در ضمن احادیثی که ذکر می‌کند، برخی از مشایخی که از آنها مطالبش را گرفته است، مانند: شریف مرتضی^۶ احمد بن عبدول^۷، ابن ابی عبید^۸، ابی محمد المحدثی^۹، شیخ مفید^{۱۰}، حسین بن ابراهیم^{۱۱} و حسین بن عبدالله^{۱۲} بیان می‌دارد.

۶. المسئلة فی مولد صاحب الزمان، ابن حمزه جعفری (م ۴۶۳ق)^{۱۳}

ابوعلی، محمد بن حسن بن حمزه جعفری^{۱۴}، داماد و جانشین شیخ مفید^{۱۵}، نجاشی او را متکلم و فقیه معرفی می‌کند که در هر دو رشته تدریس می‌نموده است.^{۱۶} وی دارای کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در زمینه فقه و کلام بوده، از جمله آنان رساله‌ای است که درباره ولادت حضرت حجت(عج) و متأسفانه از این رساله و مباحث و موضوعات مطرح شده در آن هیچ اطلاعی در دست نیست.^{۱۷}

۱. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۱.

۲. همان، ص ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۴۳۶ و ...

۳. همان، ص ۱۳۴، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹.

۴. همان، ص ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۵، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴.

۵. همان، ص ۵، ۱۲، ۶۵، ۶۶.

۶. همان، ص ۵، ۳۰، ۷۳.

۷. همان، ص ۲۱، ۸۸، ۱۱۷، ۱۵۵.

۸. همان، ص ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۰، ۱۵۷، ۲۱۲، ۲۵۷.

۹. همان، ص ۱۱۰، ۲۳۹، ۲۸۰.

۱۰. همان، ص ۱۸۸، ۲۴۲، ۲۵۴.

۱۱. همان، ص ۱۷۸، ۲۲۶، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۱.

۱۲. همان، ص ۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۸، ۲۶۱ و ۲۶۵.

۱۳. نجاشی، همان. ص ۴۸۴ شماره ۱۰۷.

۱۴. محمد بن حسن بن حمزه به ابویعلی جعفری طالبی مشهور است که از نوادگان جعفر طیار بوده و به همین جهت به جعفری مشهور شده است، تستری، قاموس الرجال، همان، ج ۸، ص ۱۲۴.

۱۵. موضوع دامادی او فقط ابن حجر در لسان المیزان اشاره نموده است. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

نجاشی، فهرست، ص ۴۸۴، ش ۱۰۷۰، حلی، خلاصه الاقوال، ص ۲۷۰، ش ۱۷۹۰.

۱۶. نجاشی، همان، ص ۴۸۴، ش ۱۰۷۰.

۱۷. تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۳۹۹ و مامقانی، منتهی المقال، ج ۶، ص ۱۲.

۷. الفرج الكبير فی الغیبه، ابن وراق (م ۴۸۴ق)^۱

ابی عبدالله محمد بن هبه الله بن جعفر وراق^۲ طرابلسی از شاگردان شیخ طوسی^۳ و قاضی ابن براج^۴ دارای تألیفات متعددی است.^۵ کتاب الفرج الكبير او در زمینه غیبت امام زمان است و تا زمان صفویه موجود بوده، چرا که صاحب کتاب «کفایه المهدی»، روایت ۳۱۳ تن از اصحاب و یاران امام زمان را مستقیماً از این کتاب نقل می‌کند.^۶

۸. إعلام الوری، طبرسی (۵۴۸ق)^۷

امین الدین ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی^۸ معروف به امین الاسلام طبرسی، علاوه بر تدوین تفسیر مجمع البیان^۹، به تدوین کتاب «إعلام الوری بأعلام الهدی»^{۱۰} - که یکی از مشهورترین کتاب‌های شرح حال نویسی و سیره پیامبر و ائمه معصومین است - پرداخته و در آن مطالب جدیدی را بیان کرده که در کتاب‌های مشابه آن نیامده است. او با ذوق و سلیقه‌ای شگفت‌انگیز به سیره اهل بیت پرداخته است، به طوری که در شرح مطالب راه افراط و تفریط را نیموده که خواننده را خسته نماید و یا مطالب را ناقص ارائه کند.

إعلام الوری، بر چهار رکن تدوین گردیده است که رکن چهارم آن به شرح حال حضرت صاحب الزمان (عج) اختصاص دارد و در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای را انجام داده است و دلایل متعددی را در اثبات ولادت و غیبت امام زمان (عج) ارائه می‌نماید و علاوه بر این، به هفت شبهه بسیار مهم که در زمان

۱. افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. وراق لقب کسانیه بوده است که کتاب‌ها را استنساخ می‌نموده‌اند یا قرآن و کتاب‌های حدیثی را می‌نوشته‌اند و گاهی به کاغذ فروش نیز اطلاق می‌شده است، مدرس، ریحانه الأدب، ج ۶، ص ۳۱۱.

۳. طوسی، فهرست، ص ۲۲، منتجب الدین، فهرست، ص ۱۵۵، ش ۳۵۶.

۴. افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۹۸.

۵. منتجب الدین، همان، ص ۱۵۵، ش ۳۵۶ و تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۵۶. مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۲۱، ش ۸۷۹.

۶. میرلوحی، کفایه المهدی، ص ۶۶۵.

۷. برای زندگی‌نامه طبرسی، ر.ک: مازندرانی، معالم العلماء، همان، ص ۱۹۳، شماره ۸۹۳. محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۸ و خوانساری، روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۶۴. شیخ منتجب الدین رازی، الفهرست، ص ۹۶، شماره ۳۳۶، خوانساری، روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۶۵. دوانی، مفآخر اسلام، ج ۳، ص ۴۱۳.

۸. درباره جغرافیای طبرس، ر.ک: خوانساری، روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۶۴ و افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۵۷. ۹. طبرسی در شصت سالگی یعنی به سال ۵۳۶ هـ در ظرف شش سال کتاب مجمع البیان را در ده جلد تدوین می‌کند. از تاریخی که ذیل تفسیر آیه ۱۸۲ سوره بقره ذکر می‌کند، مشخص می‌شود که ولادت او به سال ۴۶۷ هـ بوده است. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰ و ص ۲۷۰، خوانساری، روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۶۵.

۱۰. إعلام الوری به درخواست علاء الدوله علی بن حسام الدین شهریار نوشته و نویسنده آن را به علاء الدوله از فرمانروایان طبرستان از شاخه اصفه‌دان باوندیان که به سال ۵۱۱ تا ۵۳۴ هـ بر آنجا حکومت می‌کرده است هدیه می‌کند. طبرسی، إعلام الوری، ص ۱۰ و ادموند باسورث، سلسله‌های اسلامی، ص ۱۳۷.

نویسنده درباره غیبت وجود داشته است می‌پردازد و پاسخ آنان را به صورت عقلی و نقلی بیان می‌دارد.^۱ البته لازم به ذکر است که طبرسی در رد شبهات پیرامون غیبت از کتاب «المقنع فی الغیبه» سیدمرتضی استفاده کرده است و جواب‌ها را به نقل از او بیان می‌دارد.^۲

۹. جنالجتین فی ذکر ولد العسکریین، قطب راوندی^۳ (م ۵۷۳ق)

ابوالحسین قطب الدین سعید بن هبه‌الله بن حسن^۴ دارای تألیفات بسیار است، اما بیشتر او را با نام کتاب معروفش «الخرائج و الجرائح» می‌شناسند.

بدون تردید قطب الدین متعلق به دوره‌ای از تاریخ شیعی است که علمای آن دوره عموماً به تدوین دائرةالمعارف‌های حدیثی می‌پرداختند و آنچه از کتاب «خرائج» مورد توجه است، جمع‌آوری گزارش‌های متعدد از کتاب‌های پیشین درباره معجزات پیامبر و ائمه معصومین (ع) با اندکی تحلیل پیرامون عقاید امامیه است، به طوری که نویسنده مهم‌ترین دلیل بر دعوی پیامبر و امامت ائمه معصومین (ع) را معجزاتی می‌داند که در کتابش به آنها اشاره می‌کند.^۵

کتاب الخرائج در زمینه بحث مهدویت و ولادت از آن نظر اهمیت دارد که نویسنده آن فصل‌های مختلفی را به معجزات آن حضرت که دلالت بر وجود آن حضرت و زنده بودن و ظهور ایشان، اختصاص داده است. علاوه بر کتاب مذکور، او همچنین کتاب «جنالجتین» را در احوالات امام زمان (عج) تألیف نموده است.^۶

۱۰. تحقیق غیبه المنتظر، تاج العلی (م ۶۳۰ق)^۸

تاج العلی سید اشرف بن اغر^۷ بن هاشم علوی حسینی رملی رافضی^{۱۰}، از علمای شیعی حلب و آمد، در نزد بسیاری از دانشمندان شیعی و سنی تحصیل نموده است.^{۱۱} برخی از اهل سنت در حلب نزد سلطان از او

۱. طبرسی، اعلام الوری، همان، ص ۳۶۱، ۴۴۶.

۲. همان، ص ۴۳۶.

۳. افندی، همان، ج ۲، ص ۴۳، خوانساری، همان، ج ۴، ص ۵.

۴. برای زندگینامه راوندی، ر.ک، منتجب‌الدین، فهرست، همان، ص ۸۷، افندی، ریاض العلماء، همان، ج ۲، ص ۴۳۰. مازندرانی، معالم العلماء، ص ۴۸، خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۵. و تهرانی، الذریعه، ج ۷، ص ۱۴۶ و ج ۵، ص ۱۴۸.

۵. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۴۷۷.

۶. قطب راوندی، الخرائج، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۸۵، ج ۲، ص ۶۶۲، ص ۷۹۱، ج ۳، ص ۱۰۹۵ - ص ۱۱۷۶.

۷. مازندرانی، معالم، ص ۴۸، ش ۳۵۹ و تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۱۴۸، نوری، النجم الثاقب، ج ۱، ص ۳۹.

۸. برای زندگی‌نامه تاج العلی، ر.ک: الحاوی فی رجال الشیعه، ص ۵۹، مدرس، ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۳۲۰.

۹. صفدی او را سید اشرف بن اعز دانسته است، صفدی، نکت‌الهمیان، ص ۱۱۹؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

۱۰. ذهبی لقب رافضی را آورده است، ذهبی، تاریخ الإسلام، ص ۳۶۲.

۱۱. ابن ابی طی نزد او نهج‌البلاغه را خوانده است و می‌نویسد که او به سال ۵۲۱ هجری در عسقلان نزد قاضی عبدالعزیز کنانی مجمل‌اللغه را خوانده و نیز نزد ابن فحام کتاب‌المجمل او را قرائت نموده و نزد حریری صاحب

سعايت نموده‌اند،^۱ اما سلطان حلب پیوسته به او توجه می‌نمود و زمانی که از دنیا رفت درباره او می‌گفت: «هاتومثله و لاتجدونه ابداً».^۲ به هر صورت، وی از جمله کسانی است که درباره غیبت امام زمان (عج) کتاب نوشته است و چنانچه از عنوان کتابش^۳ مشخص می‌شود، در این کتاب با استناد به احادیث نبوی و احادیث ائمه معصومین، به بحث غیبت پرداخته و دلایلی درباره وجوب ایمان به غیبت بیان کرده است.

۱۱. معادن الذهب، ابن ابی طی (م ۶۳۰ ق)

یحیی بن حمید بن ظافر طائی حلبی غسانی^۴ معروف به ابن ابی طی، و ابن نجار^۵ و با عنوان ادیب حلبی از او یاد کرده‌اند.^۶ وی آثار بسیاری از خود به جا گذاشته است.^۷ مهم‌ترین اثر نوشتاری او را تاریخ بزرگ او به نام «معادن الذهب فی تاریخ الملوک و الخلفاء و ذوی الرتب» دانسته‌اند^۸ که مورد استفاده بسیاری از مورخان پس از وی به ویژه «ابن فرات» و ابوثمامه قرار گرفته و مطالب بسیاری از آن در آثار این دو مورخ محفوظ مانده است.^۹ همچنین ابن خلکان^{۱۰}، ابن شحنه^{۱۱}، راغب^{۱۲}، صفدی^{۱۳} و ذهبی^{۱۴} از تاریخ او نقل قول نموده‌اند. از جمله اطلاعات ابن ابی طی در کتاب تاریخش، شرح احوالات حسین بن روح نوبختی است که شمس الدین ذهبی در کتاب «تاریخ الاسلام» در ضمن وقایع سال‌های ۳۲۶ به طور خلاصه آن را ارائه کرده است.^{۱۵}

کتاب مقامات در بصره تلمذ نموده است، همان، ص ۵۷.

۱. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۶۹۶.

۲. به نظر می‌رسد که منظور از سلطان در سخن ذهبی، صلاح الدین ایوبی متوفای ۶۱۳ هـ است ذهبی، تاریخ الاسلام، حوادث ۶۰۱، ص ۳۶۳؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۳۷۳. محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۰.

۳. عنوان اصلی کتاب را چنین آورده‌اند «کتاب فی تحقیق غیبه المنتظر و ماجاء فیما عن النبی و عن الائمة و وجوب الایمان بها» صفدی، همان، تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۱۶۰، ابن ابی طی، الحاوی، ص ۸۵.

۴. برای زندگینامه ابن ابی طی رک: ابن حجر، لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۶۴ کتبی، فوات الوفیات، ج ۴، ص ۲۶۹ و تهرانی، طبقات، ج ۳، ص ۲۰۵، صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۲۷۳.

۵. کتبی، فوات الوفیات، ج ۴، ص ۲۶۹.

۶. ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۷. کتبی، مجموع آثار او را بیش از شصت کتاب ذکر می‌کند که برخی از آنان در چندین مجلد بوده اند؛ از جمله: حوادث الزمان در ۵ مجلد، خلاصه الخواص فی آداب الخواص در ۱۰ مجلد، فضائل الائمة در ۴ جلد. کتبی، فوات الوفیات، ج ۴، ص ۲۶۹ و تهرانی، طبقات، ج ۳، ص ۲۰۵.

۸. تهرانی، الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۷۷.

۹. محمد آصف فکرت، ابن ابی طی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ذیل مدخل، ص ۶۷۶.

۱۰. ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۱۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ذیل مدخل.

۱۲. راغب، اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۶۲، ج ۴، ص ۳۷۸.

۱۳. صفدی، نکت، همان، ص ۱۲۰ و الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

۱۴. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۵، ص ۱۹۰.

۱۵. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۵، ص ۱۹۰.

۱۲. تذکرة الخواص الامة بذكر خصائص الائمة، ابن جوزی (م ۶۵۴ق)

شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن فرغلی معروف به سبط بن جوزی^{۱۶} را از علمای اهل سنت دانسته‌اند، اما عشق و علاقه وافر او به خاندان اهل بیت (ع) و کتاب‌هایی که در احوالات ایشان تدوین نموده است،^{۱۷} ذهبی را وادار کرده تا درباره او چنین قضاوت کند: «ابن جوزی اظهار تشییع می‌نماید و من او را موثق نمی‌بینم».^{۱۸} همان طور که از موضوع کتاب مذکور مشخص است، سبط ابن جوزی مطالب آن را به شرح حال و فضائل ائمه معصومین اختصاص داده است و در نهایت بی‌طرفی و ژرف‌نگری خاصی که مختص به او بوده است، در این مجموعه به شرح حال و فضایل اهل بیت و برخی از مواعظ و سخنان آنان به اختصار پرداخته است. وی با بهره‌گیری از روایان شیعی و سنی، بخش اعظمی از کتاب را به گزارش‌هایی که درباره زندگانی حضرت علی (ع) است اختصاص داده و سپس به ترتیب به زندگانی و فضائل سایر ائمه اشاره می‌کند.^{۱۹} سبط ابن جوزی همسو با اعتقادات شیعیان درباره حضرت مهدی(عج) و غیبت آن حضرت مطالبی را در این زمینه ارائه می‌دهد. او علاوه بر اینکه به وجود حضرت مهدی معتقد است، بر ولادت ایشان تأکید می‌کند و احادیث متعددی را درباره برتری حضرت مهدی از سایر پیامبران بیان می‌دارد.^{۲۰} در پایان نیز به افرادی اشاره می‌کند که مدت‌های طولانی زندگی نموده‌اند و از معمرین بوده‌اند.^{۲۱}

۱۳. کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، شافعی گنجی (م ۶۵۸ق)

ابوعبدالله محمد بن یوسف بن محمد شافعی گنجی^{۲۲} یکی از معروف‌ترین اساتید بهاء‌الدین اربلی صاحب کشف الغمه است.^{۲۳} محمد بن یوسف با آنکه بر مذهب جماعت و سنت بوده، اما دلبستگی درونی به ائمه معصومین(ع)، وی را بر آن داشته که دو کتاب پیرامون ایشان تدوین نماید؛ «کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب»^{۲۴} که پیرامون امیرمؤمنان و مورد اعتماد شیعه و سنی است و کتاب دیگر «البیان فی اخبار صاحب الزمان» است.^{۲۵}

شافعی گنجی، همچون سایر علمای اهل سنت در کتاب البیان بیشتر به احادیثی اشاره می‌کند که

۱۶. برای زندگینامه ابن جوزی، ر.ک.، ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۵، ص ۲۲۶ و ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳.

۱۷. از کتاب‌های او در این زمینه، منتهی السؤل فی سیرة الرسول، و تذکرة الخواص را می‌توان نام برد... همان.

۱۸. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳.

۱۹. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۶۸-۳۲۸.

۲۰. همان، ص ۳۲۵.

۲۱. همان، ص ۳۲۶.

۲۲. برای زندگینامه او، ر.ک.، محمد بن یوسف شافعی، البیان، تحقیق محمدمهدی خراسان، ص ۵-۵۹.

۲۳. در سال ۶۴۸هـ بهاء‌الدین اربلی در اربل نزد محمد بن یوسف گنجی کتاب‌های البیان و کفایة الطالب را قرائت نموده و با خط او اجازه روایت از او دریافت داشته است. امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۴۴۶.

۲۴. اربلی در کشف الغمه از کتاب کفایة الطالب بسیار نقل قول می‌کند، اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲۵. همان، ج ۳، ص ۲۷۸.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

امام زمان(عج) را از فرزندان امام حسین(ع) دانسته و به چگونگی قیام و ظهور آن حضرت و نیز صفات و خصوصیات ظاهری ایشان می‌پردازد، اما وی در پایان کتاب، فصلی را به طور مستقل درباره اینکه امام مهدی(عج) زنده و تاکنون باقی است، تحت عنوان «الباب الخامس والعشرون فی الدلالة علی کون المهدی(ع) حياً باقیاً مذغیبه الی الآن» بیان می‌دارد^۱ و در این فصل بر خلاف بسیاری از علمای اهل سنت، دلایل محکمی بر وجود امام زمان(عج) و زنده بوده آن حضرت اقامه می‌کند.^۲ وی با استناد به زنده بودن حضرت الیاس، خضر و عیسی، بقای امام زمان(عج) را در سرداب امری ممکن دانسته و غیبت او را تا امروز و خدادی عادی و قابل پذیرش می‌داند.^۳

۱۴- ربیع الشیعه، ابن طاووس^۴ (م ۶۶۴ق)

رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی الطاووس،^۵ در مدت عمر خویش کتاب‌های ارزنده‌ای^۶ را در علوم و فنون مختلف از خود به جای گذاشت و از آنجا که خود شیفته امام زمان(عج) بود و شناختش به آن حضرت بالاتر از شناخت به نور آفتاب بود.^۷ در بسیاری از کتاب‌هایش به مباحثی پیرامون حضرت مهدی(عج)، ولادت و غیبت او می‌پردازد؛ از جمله:

۱. التعریف للمولد الشریف:^۸ اصل این کتاب در دست نیست، اما سید بن طاووس در بسیاری از نوشته‌هایش به آن اشاره و مطالبی را به آن ارجاع داده است.^۹ وی بخشی از آن کتاب را به موضوع چگونگی ولادت امام زمان(عج) و زانی که در هنگام ولادت در کنار مادر امام زمان(عج) حضور داشته‌اند، اولین دیدار امام عسگری(ع) از امام مهدی(عج)، عقیقه‌ای که برای ولادت امام داده شد و نیز وکیلی که برای ایشان منصوب شد تا در خدمت آن حضرت باشد،^{۱۰} اختصاص یافته است. وی در کتاب اقبال ادعا می‌کند: «مطالبی را در کتاب التعریف بیان داشته است که تاکنون کسی موفق به کشف این مطالب نشده است».^{۱۱}

۱. محمدبن یوسف، البیان، ص ۱۴۸ - ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۵۵ - ۱۵۹.

۳. اربلی از سخن محمد بن یوسف شگفت زده شده است و به توجیه آن پرداخته و معتقد است اینکه محمد بن یوسف بقای در سرداب را برای امام بیان کرده است سخنی نادرست است. بهاء الدین اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۳.

۴. اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۰.

۵. برای زندگینامه او ر.ک: خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۳۲۵. مجلسی، بحارالانوار، مقدمه، ص ۱۴۲.

۶. آثار ابن طاووس در فهرستی که خود او نگاشته است، یک بار در کتاب کشف المحججه آمده و بار دیگر لیست طولانی‌تری از آن را که بالغ بر شصت کتاب است در کتاب الاجازات او آمده است.

۷. ابن طاووس به فرزندش محمد چنین می‌نویسد: «فرزندم! به راستی که پدر تو امام زمان را بالاتر و بیشتر از معرفت و شناخت نسبت به نور آفتاب شناخته است». ابن طاووس، کشف المحججه، همان، ص ۷۴.

۸. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۲۱۵، شماره ۱۰۷۵.

۹. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، همان، ص ۵۹۸، ۹۰۳، ۶۲۳، ۶۸۹، ۷۰۳.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۳۲۷.

۱۱. همان.

۲. *الاقبال الاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه*:^۱ مطالب کتاب شامل ادعیه و اعمالی است که برای روزهای ایام سال در روایات شیعی بیان شده است. وی در اعمال نیمه شعبان به احادیثی که به ولادت امام زمان(عج) خصوصاً از سوی پیامبر رسیده است، اشاره می‌کند و مطالب خود را در این موضوع به کتاب *التعریف ارجاع می‌دهد*.^۲

۳. *کشف المحجه*:^۳ ابن طاووس در این کتاب، غیبت امام زمان(عج) را مهم‌ترین دلیل بر اثبات امامت آن حضرت دانسته و با تمسک به کتاب‌های که درباره غیبت توسط دانشمندان گذشته تدوین شده است، به استدلال پیرامون آن می‌پردازد.^۴

۴. *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*:^۵ این کتاب معروف به *ملاحم و فتن* است و تلخیصی از برخی از کتاب‌های *الفتن* که در گذشته تدوین شده‌اند^۶ و در آن به حوادث و رویدادهایی که از زمان رحلت پیامبر تا زمان ظهور اتفاق افتاده یا خواهد افتاد اشاره می‌کند و در ضمن برخی از احادیث آن، ولادت امام زمان(عج) و غیبت آن حضرت را بازگو می‌کند.^۷

۵. *ربیع الشیعه*: نزدیکی متن این کتاب با کتاب *اعلام الوری*، طبرسی، این نکته را در اذهان بسیاری از پژوهشگران ایجاد نموده است که *ربیع الشیعه*، کتابی مستقل و تألیفی جداگانه از سیدبن طاووس نیست، بلکه این کتاب همان *اعلام الوری* است^۸ که به دلایلی چند در ادوار بعد به نام سید بن طاووس معروف گردیده است.^۹ اما گلبرگ معتقد است: «به دلیل آنکه ابن طاووس در هیچ کدام از کتاب‌هایش از کتاب *اعلام الوری* سخنی به میان نیاورده است و از طرفی میرداماد در کتاب *رواشح گزارشی* را نقل می‌کند و آن را مستند به کتاب *ربیع الشیعه* می‌نماید، این احتمال قابل پذیرش است که ابن طاووس نسخه‌ای از کتاب *اعلام الوری* را به دست آورده که فاقد خطبه بوده است و چون او با این تألیف آشنا نبوده است؛ به همین دلیل

۱. آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه*، ج ۲، ص ۲۴۶، شماره ۱۷۸.

۲. ابن طاووس، *الاقبال*، ج ۳، ص ۳۲۷.

۳. کتاب با عنوان *کشف المحجه لثمره المهجه* است. آقابزرگ، *الذریعه*، ج ۱۸، ص ۵۸، شماره ۶۲۲.

۴. ابن طاووس، *کشف المحجه*، ص ۷۵.

۵. طهرانی، *الذریعه*، ج ۴، ص ۱۸۹، ج ۱۴، ص ۱۱۳ و ج ۲۲، ص ۱۸۹.

۶. کتاب *ملاحم تلخیص* است از کتاب‌های *الفتن* نعیم بن حماد و ابوصالح سلیلی و زکریا بن یحیی نیشابور، گلبرگ، همان، ص ۱۰۵.

۷. ابن طاووس، *ملاحم و فتن*، همان، ص ۱۷۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۳۴۴، نشر گلبهار.

۸. مجلسی از نزدیکی مطالب این دو کتاب به شدت شگفت زده شده و آقابزرگ معتقد است: «هرکس سخنان سید بن طاووس را به دقت ملاحظه کند، برای او شکی باقی نمی‌ماند که *ربیع الشیعه* از سید نیست و آن همان کتاب *اعلام والوری* است»، مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱، ص ۳۱ و طهرانی، *الذریعه*، ج ۲، ص ۲۴۱ و ج ۱۰، ص ۷۵.

۹. به نظر می‌رسد که سید بن طاووس نسخه‌ای از این کتاب را بدون مقدمه و اسم مؤلف در اختیار داشته و چون آن را مطالعه نموده است، بر آن تقریظی زده که «ان هذا الكتاب ربیع الشیعه» و بعدها وقتی شاگردان سید کتاب را یافته‌اند و خط سید را در ابتدای آن ملاحظه نموده‌اند آنرا از مؤلفات سید شمرده‌اند، طهرانی، همان.

آن را استنساخ کرده است. بعد از وفات او، این کتاب را میان کتاب‌هایش یافته‌اند و تصور کرده‌اند که ابن طاووس آن را نگاشته است و خطبه‌ای را که او معمولاً در آغاز کتاب‌هایش قرار می‌داده، بر آن افزوده‌اند.^۱ به هر صورت مقاله حاضر، بخش کوچکی از تلاش گسترده علمای شیعه و محبین اهل بیت از نخستین سال‌های تدوین حدیث پیرامون اثبات ولادت و غیبت امام زمان تا واپسین سال‌های خلافت عباسیان است و از قرن هفتم به بعد که خلافت عباسی توسط مغولان فرو پاشید و سیاست تساهل و مدارای مذهبی توسط ایلخانان مغول در شرق جهان اسلام برقرار گردیده، محدثان و متکلمان مسلمانان خصوصاً اصل سنت جرأت یافتند تا بدون بیم و هراس، پیرامون امام عصر به تدوین کتاب پردازند؛ از این رو چنان‌که ملاحظه می‌شود، مقدار کتاب‌هایی که توسط آنان نوشته شده، بسیار بیشتر از کتاب‌هایی است که توسط علمای شیعه تدوین گردیده؛ پس به جرئت می‌توان گفت که از قرن ۷ تا ۱۰ هجری رویکرد علمای سنی مذهب به مباحث مهدویت بیش از سایرین بوده است، اما با استقرار حکومت شیعه صفویه در بخش اعظمی از شرق جهان اسلام و رسمیت یافتن مذهب تشیع و از طرفی قدرت یافتن همسایه غربی ایران یعنی امپراتوری عثمانی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، علمای شیعه بر آن شدند تا برای حفظ و گسترش معارف شیعی به جمع‌آوری منابع دینی اقدام نماید. در نتیجه تألیف کتاب‌هایی پرداختند که بیشتر به دایره المعارف شباهت داشت تا یک اثر تحلیلی و مباحث مهدویت نیز خارج از این اصول نبود.

کتابنامه

- ابن ابی طی، یحیی بن حمید، *الحاوی فی رجال الشیعه الامامیه*، تصحیح رسول جعفریان، کتابخانه تاریخ اسلام، قم، ۱۳۷۹.
- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ هـ.
- ابن جوزی، ابی الفرج، *تذکره الخواص*، الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۶.
- ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ هـ.
- ابن حزم، علی ابن حمد، *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل*، دارالجیل، بیروت، بی تا.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، دارصادر، بیروت، بی تا.
- ابن طاووس، رضی الدین، *اقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷.
- ابن طاووس، رضی الدین، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر*، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۸ هـ.
- ابن طاووس، رضی الدین، *کشف المحججه لثمره المهجه*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۲ هـ.
- ابن طباطبای، منتقله الطالبین، مطبعه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۹ هـ.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد، *عمده الطالب فی انساب آل ابوطالب*، انصاریان، قم، ۱۴۱۷ هـ.

۱. اتان گلبرگ، همان، ص ۱۱۲.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

- ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، دارصادر، بیروت، بی تا.
- ابن قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحکما، مصحح، بهمن دارائی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ابن قیس سلامی، سلیم، اسرار آل محمد، مترجم اسماعیل زنجانی، الهادی، قم، ۱۳۷۵.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، مصحح شعبان خلیفه، العربی، قاهره، ۱۹۹۱ م.
- ابن وردی، تاریخ ابن الوردی، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۹ هـ.
- اربلی، بهاءالدین، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، شریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ هـ.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات الاسلامیین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، الممالک و المسالک، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ هـ.
- اصفهان، ابوالفرج، الاغانی، دارالاحیاء، بیروت، بی تا.
- الاصفهان، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، منشورات الرضی، قم، ۱۴۰۵ هـ.
- افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، کتابنامه مرعشی، قم، ۱۴۰۱ هـ.
- اقبال، عباس، خاندان نوبختی، مطبعه مجلس، تهران، ۱۳۱۱.
- امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات، بی تا.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، مرکز الغدیر للدرسات الاسلامیه، قم، ۱۳۷۶.
- با سورت، ادmond، سلسله های اسلامی، مترجم، فریدون بدره ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات تهران، ۱۳۷۱.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، مصحح، غنی و فیاض، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۴.
- پاشا بغدادی، اسماعیل، هدیة العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- جلالی، سهیلا، پژوهشی درباره اصول اربعمائه، مجله علوم و حدیث، شماره ۶.
- جنیدی، فریدون، فضل بن شاذان و نبرد اندیشه در ایران پس از اسلام، بلخ، تهران، ۱۳۵۹.
- حائری، ابوعلی، منتهی المقال، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۶ هـ.
- حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، مصحح اشکوری، مکتبه السید مرعشی، نجف اشرف، بی تا.
- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه آیت اللهی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- حلی، یوسف بن مطهر، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، مصحح جواد القیومی، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ هـ.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، مصحح فرید عبدالعزیز الجندی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- حنبل، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، دارابن کثیر، دمشق، ۱۴۱۳ هـ.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، مؤسسه البلاغ، دمشق، ۲۰۰۵ م.
- خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر، تاریخ بغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- خوئی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی جا، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ.
- خوانساری، روضات الجنات، اسماعیلیان، قم، بی تا.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، مؤسسه دهخدا، تهران.
- دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، مهدوی دامغانی، نشرنی، تهران، ۱۳۷۱.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۱۰هـ.
- ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۳م.
- ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال، دارالفکر، بی جا، بی تا.
- رازی، شیخ منتجب الدین، الفهرست، مصحح، محدث ارموی، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۳۶۶.
- راغب، محمد، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، دارالقلم العربی، حلب، ۱۴۰۸هـ.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۶م.
- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، کومش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- سمعانی، عبدالکریم، الانساب، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸هـ.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، طبقات المفسرین، دارالکتب العلمی، بیروت، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۸هـ.
- شافعی، محمد بن یوسف، البیان، تحقیق محمد مهدی خراسان، بی تا، بی جا.
- شوشتری (تستری)، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰هـ.
- شوشتری، قاضی نور الله، مجالس المؤمنین، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ملل و نحل، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۵هـ.
- صدر حاج سیدجوادی، احمد، دائره المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۷۵.
- صدوق، محمدبن علی، کمال الدین، مؤسسه النشر اسلامی چاپ سوم، قم، ۱۴۱۶هـ.
- صدوق، محمدبن علی، کمال الدین، ترجمه منصور پهلوانی، دارالحديث، قم ۱۳۸۰.
- صدوق، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، اسماعیلیان، قم، بی تا.
- صفدی، صلاح الدین خلیل، نکت الهمیان فی نکت العمیان، شریف رضی، قم، ۱۴۱۳هـ.
- صفدی، صلاح الدین خلیل، الوافی بالوفیات، دارالنشر، بی جا، ۱۴۱۱هـ.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، انتشارات اسوه، تهران ۱۴۱۶هـ.
- طبرسی، علی بن فضل، اعلام الوری بأعلام الهدی، آل البيت، قم، ۱۴۱۷هـ.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۱هـ.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تصحیح مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، منشورات الشریف الرضی، قم، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، مصحح، حسین بحر العلوم، منشورات العزیزی، قم، بی تا.
- تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸هـ.
- تهرانی، آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
- تهرانی، آقا بزرگ، زندگینامه شیخ طوسی به انضمام مقدمه شیخ طوسی بر تفسیر البیان، مترجم علیرضا میرزا محمد، فرهنگستان ادب و هنر ایران، تهران، ۱۳۶۰.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی (ع)/ سیدخلیل طاوسی

- عسقلانی، ابن حجر، *لسان المیزان*، مصحح عبدالفتاح ابوغده، مکتبه المطبوعات الاسلامیه، بیروت، ۲۰۰۲ م.
- علم الهدی، شریف مرتضی، *المقنع فی الغیبه*، تحقیق سید محمدعلی حکیم، تراثنا، شماره ۲۷ سال چهارم.
- علم الهدی، شریف مرتضی، *رسائل*، سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ هـ.
- علم الهدی، مرتضی، *الفصول المختاره من العیون و المحاسن*، مترجم خوانساری، بی جا، بی تا.
- علی بیوکار، م، *علوم حدیث*، شماه ۳۰.
- العمری، علی بن محمد، *المجدی فی الانساب الطالبین*، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۴۰۹ هـ.
- قاضی نعمان، *افتتاح الدعوه*، مصحح، فرحات الدشراوی، الشركه التونسيه، تونس، ۱۹۸۹ م.
- قزوینی، عبدالجلیل، *النقض*، مصحح محدث ارموی، بی جا، بی تا.
- قلقشندی، *نهایه الارب فی معرفه انساب العرب*، مطبعه النجاشی، بغداد، ۱۳۷۸ هـ.
- قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، عبدالملک قمی، توس، قم، ۱۳۶۱.
- قمی، عباس، *الکنی و الالقاب*، المطبعه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۹۶۹ م.
- قمی، عباس، *فوائد الرضویه*، مصحح، ناصر باقری بیدهندی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- قهبانی، عنایه الله، *مجمع الرجال*، بی جا، اصفهان، ۱۳۸۴ هـ.
- کتبی، محمد بن شاکر، *فوات الوفیات*، دارصادر، بیروت، ۱۹۷۳ م.
- کلبگ، اتان، *کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*، مترجم رسول جعفریان، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۳۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، بی جا، بی تا.
- الکتوری، اعجاز حسین، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار*، مکتبه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹.
- کورانی، علی، *عصر ظهور*، مترجم، عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۵، تهران، ۱۳۷۵.
- مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، *معالم العلماء*، المطبعه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۰ هـ.
- مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، انتشارات علامه، قم، بی تا.
- مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال*، آل البیت لاحیاء التراث الاسلامی، قم، ۱۴۲ هـ.
- مایسنیون، لوئی، *مصائب حلاج*، مترجم، سیدضیاء الدین دهشیری، بنیاد علوم اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار*، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۳ م.
- محمودی، ضیاء الدین، *الاصول الستة عشر*، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۳ هـ.
- محبی الدین، عبدالرزاق، *شخصیت ادبی سید مرتضی*، مترجم جواد محدثی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۳.
- مدرس، محمد علی، *ریحانه الادب*، خیام، تهران، ۱۳۷۴.
- مدرسی، سیدحسین، *مکتب در فرایند تکامل*، مترجم هاشم ایزدینا، داروین، بی تا.
- مدرسی، طباطبایی، سید حسین، *میراث مکتوب شیعه*، مترجم رسول جعفریان، نشر مورخ، قم، ۱۳۸۶ هـ.
- المزی، یوسف ابوالحجاج، *تهذیب الکمال*، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۶ هـ.
- مسعودی، علی بن الحسین، *اثبات الوصیه*، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۹۹۶ م.

جستاری در میراث مکتوب شیعه در اثبات ولادت و غیبت امام مهدی(ع)/ سیدخلیل طاوسی

- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، مصحح، عبدالله اسماعیل، دارصادر، بیروت، ۱۸۹۳ م.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، دارالهجره، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.
- مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان مقدس، ۱۳۷۲.
- معارفی، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، تهران، ۱۳۷۴.
- مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، آل‌البیت، قم.
- مفید، محمد بن نعمان، المسائل العشره فی الغیبه، مصحح فارس الحسون، دلیل ما، قم، ۱۳۸۴.
- مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقادات الامامیه، بی‌تا، بی‌جا.
- مقدسی، شمس‌الدین، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، دارصادر، بی‌تا، بی‌جا.
- مقریزی، احمد بن علی، اغاثه الامه بکشف الغمه، مؤسسه ناصر للثقافه، بیروت، ۱۹۸۰ م.
- موسوی بجنوردی، کاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
- مهدی‌پور، علی‌اکبر، چهل حدیث از فضل بن شاذان، حاذق، قم، بی‌تا.
- میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویه، بی‌تا، بی‌جا.
- میرلوحی، سیدمحمد، کفایه المتهدی فی معرفه المهدی، دارالتفسیر، قم، ۱۴۲۶.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق زنجانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ هـ.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون، انوار المهدی، قم، ۱۴۲۲ هـ.
- نوبختی، حسین بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.
- نوری، میرزا حسین، کشف الاستار، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، ۱۴۰۰ هـ.
- نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب فی احوال الامام الحجه الغائب، مصحح یاسین موسوی، انوار المهدی قم ۱۴۱۵ هـ.
- نوری، میرزا علی، مستدرک الوسائل، آل‌البیت، بیروت، ۱۴۲۰ هـ.
- نیلی، بهاء‌الدین، السلطان المفرج عن اهل الایمان، دلیل ما، قم، ۱۳۸۴.
- نیلی، بهاء‌الدین، سرور اهل الایمان، تحقیق قیس العطار، دلیل ما، قم، ۱۴۲۶ هـ.